

انديشه اسلامي

مجموعه بيانات مرجع عاليقدر
حضرت آيت الله العظمى هاشمي شاهرودي دام ظلّه

کلیه حقوق چاپ محفوظ است

شناسنامه کتاب

نام کتاب: اندیشه اسلامی

مؤلف: آیة الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی دام ظلّه

ناشر: بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم السلام

چاپ اول: ۱۳۹۴ / ۱۴۳۶ هـ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسمه تعالی

سخن ناشر

نقش و اهمیت کتاب به عنوان ماندگارترین عنصر فرهنگی و اثرگذاری آن در ایجاد و تغییر و تحول فرهنگ و نگرشها و دیدگاههای آحاد یک جامعه بر کسی پوشیده نیست، و به جرأت می‌توان از آن به عنوان مهم‌ترین عامل سازنده فرهنگ اجتماعی نام برد، گرچه امروز رسانه‌های دیداری و شنیداری با حجم انبوه اخبار و اطلاعاتی که بر سر مردم آوار می‌کنند مخاطبان بیشتری دارند، اما هرگز چیزی بر قوه تحلیل و تعقل دستداران خود نمی‌افزایند، و بسیاری از روانشناسان و پژوهشگران فرهنگ عامه بر این باورند که بینندگان و طرفداران اینگونه رسانه‌ها به تدریج توان به کارگیری قوای عاقله و ناقله خود را از دست داده و پس از مدتی از تحلیل عادی‌ترین اخبار و وقایع در می‌مانند، و در مقابل مطالعه‌کنندگان منابع مکتوب به علت تأثیر خواندن‌های مکرر بر ذهن تبدیل به انسان‌های فهیم و فکور می‌شوند.

بر این اساس مرکز انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم‌السلام در راستای توسعه علمی فرهنگی به نشر آراء و افکار و راهبردهای حضرت آیه الله العظمی هاشمی شاهرودی دام‌الله پرداخته و سعی می‌کند کتاب ارزشمند

(صحیفه عدالت) که مجموعه سخنرانی‌ها و بیانات معظم‌له در دوره‌ی تصدی ریاست قوه قضائیه جمهوری اسلامی بوده و در ده جلد تنظیم و منتشر شده است را به شکل موضوعی و بر حسب مسائل مورد نیاز جامعه تنظیم و جمع‌آوری نموده، و با ذکر منابع و با شیوه‌ی متناسبی منتشر کند تا از طریق نشر اندیشه‌ها و افکار این عالم مجاهد که برخوردار از علم و نگاه عالمانه به مسائل روز با معلومات وسیع فقهی و فرهنگی و تجربه موفق قضائی و مدیریتی می‌باشند، رسالت خویش را در راستای توسعه علم و فرهنگ اسلامی و ترویج معارف حقه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام ایفا کرده، و مشمول عنایات و الطاف ویژه حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان علیه‌السلام ارواحنا فداه قرار بگیریم، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ این شاء الله تعالی.

بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم‌السلام

اندیشه اسلامی

اسلام پاسخگوی همه نیازهای بشر است

استقلال حوزه‌های شیعه از حکومت‌ها، باز بودن باب اجتهاد و پویا بودن مکتب تشیع، غنی بودن این مکتب از نظر منابع روایی صادر شده از ائمه معصومین، اینها همه سبب شد که این رشد و این تجدید حیات فرهنگی در جهان تشیع و در میان علما و دانشمندان شیعه زودتر شکل بگیرد. شاید عوامل دیگری هم بود، استعداد و هوش فوق‌العاده علمای ما، کیفیت تحقیق و تدریس در حوزه‌های ما که از ابتدا بوده و هست، سبب شد که محصولات غنی‌تری در رشته‌ها و ابواب مختلف فرهنگی و علمی تولید شود. اقتصاد اسلامی را یک عالم برجسته شیعه نوشت که حتی علمای اهل سنت هم آن را قبول دارند. هنوز هم کتاب اقتصادنای شهید صدر به تعبیر خیلی از اقتصاددانان، قرآن اقتصاد اسلامی است. در نقد فلسفه غرب مخصوصاً دیالکتیک حرف اول را علمای ما زدند، نمونه آن کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه طباطبایی و استاد مطهری و کتاب فلسفه نای شهید صدر است.

از همه مهم‌تر که بیت‌الغزل تجدید حیات فرهنگ اسلامی است،

تحولات سیاسی و اجتماعی است که در جهان اسلام ایجاد شده است. چون اسلام یک فرهنگ نظری و ذهنی نیست، یک فرهنگ همه جانبه است و مهم‌ترین بعد آن مربوط به حیات اجتماعی و سیاسی است که اساسی‌ترین بخش زندگی انسان‌هاست. در این بعد هم علما و حوزه‌های علمیه شیعه گوی سبقت را ربودند. بنده قبل از انقلاب به سمیناری که از طرف بانک توسعه اسلامی برگزار شده بود دعوت شدم، این بانک توسعه اسلامی که امروز هم مرکز آن در عربستان سعودی است، همه کشورهای اسلامی عضو آن هستند، کشور ما هم از زمان رژیم طاغوت عضو آن بود. این بانک از سوی سازمان کنفرانس اسلامی برای کمک‌رسانی به کشورهای فقیر جهان اسلام تأسیس شد. اموال زیادی هم جمع‌آوری کرده و در بانک‌های غربی سرمایه‌گذاری کرده بودند که هر وقت خواستند از سود آن یا از اصل آن استفاده کنند.

به کشورهای اسلامی ضعیف آن وقت مثل بنگلادش و یا حرکت‌های جهان اسلام مثل فلسطین کمک می‌کردند. پول‌های کلانی در بعضی از بانک‌های خارجی، به صورت سپرده‌های کوتاه مدت یا بلند مدت سپرده شده بود که بهره روی آن می‌آمد. از طرفی در اساسنامه بانک توسعه اسلامی آمده بود که باید این بانک بدون بهره باشد. هیئت مدیره بانک خیلی مقید بودند که احکام اسلامی زیر پا گذاشته نشود و در معاملات، کار خلاف شرعی صورت نگیرد. حدود ۲۰۰ یا ۳۰۰ میلیون پوند در آن زمان بهره پول‌هایی بود که در یکی دو تا از بانک‌های خارجی وجود داشت و

حالا می‌خواستند این بهره را بگیرند. فتوای علمای سعودی این بود که ربا گرفتن از کافر مانند ربا دادن به کافر حرام است. متولیان بانک توسعه اسلامی در یک مشکل گیر کرده بودند که چکار کنند، این بهره را بگیرند کار حرام کرده‌اند، نگیرند بانک‌های خارجی آن را برای خودشان برمی‌دارند و این کار احمقانه‌ای است.

برای حل و فصل این مشکل از نظر فقهی و حقوقی جلسه‌ای تشکیل دادند و فقهای جهان اسلام را دعوت کردند. من جمله از نجف شهید صدر را دعوت کردند، ایشان گفتند من نمی‌توانم بروم، گفتند کسی را بفرستید. قرعه فال به نام ما افتاد و ایشان ما را فرستاد. من آن جا بحثی را عرضه کردم، اتفاقاً آن مشکل بر مبنا و نظر فقه امامیه حل شد، البته یکی از مذاهب عامه هم در این مسئله موافق فقه امامیه بود. در فقه ما دادن ربا به کافر جایز نیست ولی گرفتن سود از او اشکالی ندارد. استدلال ما این بود که با استناد به این مبنا می‌توانید سود این اموال را از بانک‌های خارجی بگیرید، مذهب حنفی هم در این رأی موافق ماست، به یکی دو مورد از متن بعضی کتاب‌های آن‌ها هم استناد کردم. این رأی در آن کنگره خیلی جا افتاد و گفتند به همین عمل کنیم.

حدود صد و پنجاه نفر از علما و دانشمندان جهان اسلام در آن جلسه شرکت کرده بودند. من جمله آقای دکتر مصطفی زرقاء یکی از دانشمندان بنام اهل سنت که اصلاً اهل سوریه ولی ساکن اردن بود و کتاب‌های زیادی هم در حقوق و فقه دارد، کتاب "الفقه الاسلامی فی ثوبه الجدید"

که کتاب بسیار ارزنده‌ای است از ایشان است، پیرمردی نورانی و دانشمند و مورد احترام همه بود، اتاق ایشان در هتل کنار اتاق من بود. دکتر حمود نامی از اردن که مؤسس بانکداری اسلامی در اردن و شاگرد همین آقای زرقاء بود نیز همراه ایشان بود. این دو شاگرد و استاد خیلی با هم رفیق و همه جا با هم بودند. وقتی مشخص شد ما از نجف آمده‌ایم - در آن جمع تنها ما این لباس را داشتیم و مشخص شد که شیعه هستیم - یک شب همین آقای دکتر زرقاء و شاگردش آقای دکتر حمود به اتاق من آمدند و گفتند می‌خواهیم درباره تشیع و علمای شیعه سئوالاتی بکنیم، جلسه آنها دو سه ساعت طول کشید. یکی از سئوالات آن‌ها این بود که علت این همه نفوذ علمای شیعه در مردم چیست؟ آن‌ها به نفوذ علما در نهضت مشروطیت اشاره کردند، نام امام علیه السلام را بردند - در آن ایام تازه زمزمه‌های انقلاب اسلامی در ایران داشت شروع می‌شد و امام علیه السلام از نجف بیانیه می‌دادند - به فتوای آقای حکیم درباره تحریم جنگ در کردستان عراق که بسیار اثر کرده بود، اشاره کردند و می‌خواستند بدانند علت این نفوذ عمیق و گسترده چیست؟ خودشان هم از علمای اسلام بودند، ولی می‌دانستند علمای اهل سنت در مردم این گونه نفوذ ندارند. من تأمل کردم که چه جوابی بدهم، سپس به آن‌ها گفتم: ما دو اصل داریم که شما آن را ندارید، این دو اصل سبب نفوذ علمای اهل شیعه در مردم است: یکی باز بودن باب اجتهاد و وجوب تقلید از مجتهد زنده است. در فقه ما هیچ کس نمی‌تواند از مجتهد میت تقلید کند مگر به اذن یک مجتهد حی، ارتباط او در هر

صورت باید با یک مجتهد حی باشد. اما شما مقلد چهار مجتهدید که بیش از هزار سال از تاریخ وفاتشان گذشته است، آنان چه نقشی می‌توانند در زندگی انسان امروز داشته باشند؟ برای ما تقلید یک بحث زنده است، مرجع تقلید یک نسخه‌نویس نیست که مثل فقهای شما از روی فتاوی احمدبن حنبل و ابوحنیفه یا شافعی و مالک نسخه بنویسد. مرجع تقلید مرجع مردم است که در همه امور بایستی به او رجوع شود و احکام اسلام در هر مسئله‌ای از او پرسیده شود و او مسئول است که موضع اسلام را در همه امور و در هر زمان از قرآن و سنت استنباط کرده و برای مردم بگوید. جامعه انسانی هر زمانی یک طور است، متجدد است، تجدد و تکامل دارد. لذا تبیین احکام اسلام در هر عصری نیاز به فقهی معاصر دارد.

اصل دیگر، استقلال مالی و سیاسی حوزه‌های علمیه ما از حکومت‌هاست. فقهای شما در هر صورت کارمندان حکومتی‌اند، از طرف حکومت به مناصبی گذاشته شده‌اند. اما علمای ما از هر جهت استقلال دارند، دارای منصب خاص نیابت عامه از ائمه اطهارند و منصب آنان از جانب حکومت‌ها نیست. از نظر مالی هم مستقل از دولت‌اند، چون مالیات‌های شرعی مردم باید به اینها داده شود، پس از این جهت نیز مستغنی از حکومت‌ها هستند، حتی حکومت‌هایی که قبولشان دارند.

این دو اصل، سبب ارتباط گسترده علمای شیعه با مردم و نفوذ آنان در مردم است. آقای دکتر حمود که شاگرد استاد زرقاء بود و تز دکترایش کتابی در بانکداری اسلامی بود، این قدر به شرف و شوق افتاد که روز بعد

در جلسه روز دوم کنگره، بعد از این که جلسه تمام شد از رئیس کنگره اجازه گرفت و گفت من می‌خواهم مطلبی را خارج از موضوع جلسه بیان کنم و آن اینکه مسلمانان بایستی در یک مسئله از فقه امامیه تبعیت کنند و آن وجوب تقلید از مجتهد حی و فتح باب اجتهاد است.

روی این مسئله تکیه کرد و خیلی هم صحبت کرد و بحث طور دیگری شد. این یک نوع نفوذ فرهنگ و اندیشه فقه شیعه در آن جلسه بود که البته بعضی خیلی با آن موافق نبودند. این یک واقعیت است در جهان اسلام که می‌بینیم «انقلاب اسلامی» در ایران شکل گرفته نه در مصر، آنها هم مسلمانند و اندیشمندان بسیاری دارند، حرکت اخوان المسلمین شصت سال پیش از سوی حسن‌البنای ایجاد شده در مسایل مختلف نظام‌های حقوقی و اجتماعی و سیاسی اسلام کار کردند، ولی موفق به تأسیس نظام اسلامی نشدند. یکی از علت‌های آن همین است که عمق فکری و فرهنگی موجود در مذهب تشیع و حوزه‌های علمیه ما را نداشتند. امام از حوزه‌های شیعه بیرون آمد و بر اساس فقه اهل بیت و فرهنگ شیعی توانست این انقلاب عظیم و حادثه بسیار بزرگ را ایجاد کند که کل جهان اسلام را تحت‌الشعاع خود قرار داد. این حرکت که در اصل حرکت فکری فرهنگی و علمی است و مبنای آن معارف اسلام است، حد ندارد روز به روز دارد گسترش و عمق بیشتری پیدا می‌کند.

انقلاب اسلامی ما پرچمدار نشر اندیشه‌های اسلامی^(۱)

شیطان بزرگ می‌خواهد نسخه کفرستیزی و زورناپذیری را که هویت اصلی این نظام است از بین ببرد، لذا انگشت دشمنی‌اش را به طرف کشور ما نشانه می‌رود که پرچمدار این اندیشه است. این همان دشمنی دیرینه باطل با حق و کفر با اسلام است که شکل و شرایط و افرادش عوض می‌شود. در این مقابله، حق پیروز است و قدرتی که خداوند متعال در این شکل از مبارزه قرار داده شکست‌ناپذیر است. ادبیات این نوع مبارزه با ابرقدرت‌ها در جهان فراگیر می‌شود و همین امر دشمنان ما را واقعاً دستپاچه کرده است^(۲).

بحمدالله امروز نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با همه دشمنی‌های استکبار جهانی مخصوصاً آمریکا، توانسته است وجهه اسلامی و عقلانی خود را در منطقه و جهان تثبیت کند و مردم سالاری دینی را به عنوان یک الگوی جدید سیاسی به جهان معرفی کند. این الگو ان‌شاءالله مبنای ارزشمندی برای گفتگوی میان ملت‌ها و نیز مبنای صدور اندیشه و ارزش‌های انقلاب اسلامی به جهان اسلامی خواهد شد. نظام جمهوری اسلامی با مبانی نظری مستحکمی که در فقه اسلام دارد، توانست هم اصالت دینی خود را حفظ کند و هم با خرد و منطق و دانش امروز و پیشرفت‌ها و پیچیدگی‌های روابط اجتماعی جدید، را با روش‌های اسلامی پیش ببرد.

۱ - سخنرانی در جمع سفرا و نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور، تاریخ ۸۳/۵/۲۴

۲ - سخنرانی در صبحگاه مشترک استان هرمزگان، تاریخ ۸۱/۰۱/۲۸

پیروزی انقلاب اسلامی مبدأ تحول بسیار عظیم تاریخی در جهان و در منطقه و کشور ما بوده است. این تحول آن قدر عظیم و عمیق است که آثار آن، حد و پایانی ندارد. منشاء این عظمت آن است که این تحول، مبتنی بر اندیشه اسلامی آن هم اسلام ناب مکتب اهل بیت عصمت و طهارت است. طبیعت محتوای اسلام این چنین است، این مکتب آخرین نسخه خداوند متعال برای هدایت انسان‌ها در تاریخ است و همه نیازهای انسان را در همه شرایط و مقاطع تاریخی و با همه تحولات و پیشرفت‌هایی که در روابط اجتماعی انسان‌ها به وجود می‌آید، در بر می‌گیرد و برای همه آن‌ها پاسخ دارد.

این انقلاب هم، در حقیقت احیای مجدد همین مکتب در شرایط جدید جهانی است. پس از قرن‌ها دور نگه داشتن این مکتب و تحت فشار بودن آن و تبلیغات علیه آن و به انزوا کشاندن آن، این میراث غنی و نورانی به وسیله این انقلاب احیا شد. علمای بزرگ در طول تاریخ با زحمت فراوان، این اندیشه‌ی اسلامی که میراث گران بهای ما می‌باشد را حفظ و از هر گونه تحریف و دستبرد پاسداری کردند و با تعهد و تقوایشان، تجسم و تبلور معارف اسلامی در زمان خود بودند. وجود الگو، برای اینکه مکتبی بتواند زنده بماند و مردم را به سمت خودش جذب کند، بسیار مهم و اساسی است. این هم از نشانه‌های استحکام مکتب اهل بیت است که شیوه‌های حفظ و نگهداری از مکتب را هم در درون خود کارسازی کرده و همین امر منشأ حفظ و حراست و در نهایت پیروزی این مکتب شد که در این چنین

عصری که عصر پیشرفت‌های علمی و تسلط تمدن مادی بزرگی است، بتواند این تحول عظیم را در کشور ما که پایگاه پیروان مکتب اهل بیت است و در کل منطقه و جهان اسلام ایجاد کند. تنها بحث از بین بردن رژیم منحوس پهلوی و پاکسازی کشور ما از سلطه آمریکا و غرب نیست، بخش عمده این تحول، احیای مجدد اندیشه‌های اسلامی است. اسلام که محصور به یک کشور و یک قوم و قبیله نیست، ارزش‌ها و تعالیم اسلامی برای همه ملیت‌ها و اقوام است و فطرت انسانی را بیدار می‌کند. این تحول، فقط تحول کشور جمهوری اسلامی ایران نیست، یک تحول جهانی و تاریخی و طلوعه احیای مجدد اسلام در کل جهان و برقراری آن عدل الهی موعود است که وعده‌اش در تمام ادیان داده شده است.

روزی که عدل و قسط در سراسر جهان بسط یافته و وعده «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْاَرْضَ عَدْلًا وَّ قِسْطًا»، محقق می‌شود. این وعده در همه ادیان داده شده است اما در مکتب اهل بیت مشخص‌تر بیان شده است که آن روز موعود چگونه خواهد بود و چه کسی متولی این کار است و چه اهداف و آرمان‌ها و مقاصد بلندی دارد.

تمام حرکات کشور ما تنها با انگیزه اسلامی است

ما یک چیز را باید قبول کنیم و آن این است که نظام ما نظام اسلامی است، اگر بنا بود که ادای دنیا را در بیاوریم؛ اصلاً نباید انقلاب می‌کردیم و شاید آن‌هایی که قبل از ما بودند، بهتر از ما مقلد اروپا بودند و بیشتر

هم اشراف داشتند در مسایلی که در آن جا می‌گذشته است و به آن ها هم نزدیک‌تر بودند و دست در دست هم داشتند و خیلی راحت می‌توانستند آن چه را که در آن جا بود بیاورند این‌جا؛ پس اصلاً چرا انقلاب شد؟ در انقلاب ما نقطه مرکزی، اسلام است، یعنی همه این زحمات که کشیده شد و تمام تلاش‌های انجام شده و تمام خون‌هایی که ریخته شده است که هر قطره آن خیلی عزیز و گران‌قدر و پر‌قیمت بوده است، این ها تمام فقط برای اسلام بوده و هیچ چیز دیگری نبوده است. آن چه هم که نقطه مرکزی نظر امام علیه‌السلام بوده، آن زحمات و تلاش‌ها و خون‌جگرها و نهضتی که برپا کرد برای این بوده است. آن چه هم که واقعاً اراده ملت ما بوده است، همین بوده، این ملت، ملتی مسلمان بوده، قیام کرد و حالا هم براساس اسلام همه حرکاتش را شکل می‌دهد و هر جا که حضور پیدا می‌کند، تنها به انگیزه اسلامی است^(۱).

امام خمینی علیه‌السلام اندیشه اسلامی را احیا کرد

اسلام در این زمان مدیون تلاش‌های امام خمینی علیه‌السلام است که راه ائمه و انبیای بزرگ الهی را دنبال نمود. شاید کس دیگری پس از زمان ائمه اطهار علیهم‌السلام آن را انجام نداده باشد.

ما هر سال در مناسبت‌های مختلف به زیارت مرقد مطهر امام مشرف شده و با آرمان‌های این مرد بزرگ تجدید میثاق می‌کنیم، مرد بزرگی که

۱ - دیدار با هیأت منصفه مطبوعات، تاریخ ۷۸/۹/۲۴

ملت ما و اسلام در این زمان مدیون تلاش‌ها و زحمات وی است و واقعا حیات اسلام را تجدید کرد. امروز می‌توانیم از نظام جمهوری اسلامی که بر اساس مکتب اهل بیت و قرآن بنا شده است، به عنوان یک معجزه یاد کنیم. خداوند این توفیق بزرگ را به این مرد بزرگ داد که بنیان‌گذار چنین نظامی باشد.

محور اصلی قانون اساسی ما، اسلام، مکتب اسلام، احکام قرآن و مبانی اعتقادات اسلامی است

ما باید قبول کنیم که در همه مسایل کشور چه در قانونگذاری و چه در امور فرهنگی و سیاسی و چه در سیاست‌های اجرایی و مدیریتی، نباید دنبال این باشیم که در دنیا چه کاری کرده‌اند و ما هم همان کار را انجام دهیم و بعد ببینیم که آن‌جا چطوری توجیه می‌کنند و همان توجیه را هم ما در قوانین خودمان وارد کنیم و یا به مقولات فرهنگی و سیاسی خود سرایت بدهیم، این تفکر بسیار غلطی است^(۱). ما باید محور اسلام را حفظ کنیم و آن وقت ببینیم دستاوردهای دنیا را به عنوان یک تکنیک، یک روش و یک قالبی که در شرایط امروز، منافی دارد و رفاهی را ایجاد می‌کند سبک و سنگین کنیم و ببینیم با مبانی اسلامی ما سازگار است یا سازگار نیست، اگر سازگار بود - که البته خیلی از آن‌ها سازگار است - از آن‌ها استفاده کنیم. در عین حال آن را به رنگ اسلام درآوریم و به رنگ

۱ - دیدار با هیأت منصفه مطبوعات، تاریخ ۷۸/۹/۲۴

خود آن‌ها نیاوریم شکل اسلامی به آن بدهیم و البته بردن این قالب‌ها در چارچوب اسلام باز یک کار دقیق لازم دارد. مسأله ساده‌ای هم نیست، ما باید این قالب‌ها و روش‌ها و تکنیک‌ها را با محتوای تعالیم اسلام تطبیق دهیم و تلفیق کنیم. آن وقت است که ما هم برکات اسلام را خواهیم داشت و هم از تکنیک و قالب‌های روز استفاده کرده‌ایم. این را هم باید قبول کنیم که در قانون اساسی همه چیز راجع به حقوق مردم هست ولی همه‌اش می‌بینیم که قید خورده به مشروع. رأی مردم، اصل اسلام را حاکم کرده بر تمام اصول دیگر، ما هیچ اصلی در اصول قانون اساسی نداریم که بر اصول دیگرش حاکم باشد، الا این اصل. در این اصل که بر همه اصول دیگر حاکم است ذکر شده است که هیچ قانونی مخالف اسلام نباید باشد، نه اساسی و نه غیراساسی. قانون اساسی ما هم بر همین اساس تنظیم شده و مشخص است و هرکسی که قانون اساسی را بخواند، می‌بیند که محور اصلی در این قانون اساسی، اسلام و مکتب اسلام است و احکام قرآن و مبانی اعتقادات اسلامی است.

بیان عظمت محتوای اسلامی به سبک زیبا و شیرین

شما ملاحظه می‌کنید که در اکثر نقاط دنیا، اسلام از طریق بازرگانان، نفوذ کرد و مردم مسلمان شدند مثل هندوستان، پاکستان، چین و... چون محتوای اسلامی عظمت داشت و به حدی قوی بود و عدل را در جامعه گسترش می‌داد که تا می‌رفتند جایی، مثل نوری که پخش می‌شود در هر

جا می‌رفت پخش می‌شد. همه این‌ها را می‌توان فیلم کرد، این‌ها تیتراژ است، وقتی که در دل این مسایل می‌روی، همه چیز در آن موجود است یعنی ما مکتبی هستیم، هم ایده‌ها را داریم و هم فکرهای غنی و گسترده داریم و هم تطبیق زنده این‌ها را داریم و این فقط ادعا نیست، تجربه پیاده کردن آن را در حد زیاد و در کشورهای مختلف اسلامی داریم. یکی از وظایف حکومت اسلامی این است که مردم، این فرهنگ را بدانند و به تدریج در دانشگاه‌ها و مدارس از این تاریخ آگاه شوند، تاریخ اروپا در ذهن و ضمیر دانشجویان، تاریخ زنده‌ای است ولی تاریخ و فرهنگ اسلامی کم‌رنگ شده است. بعضی جاها که جنایت بدتر شده و آمدند خط و لغت و زبان را تغییر دادند و کل تاریخ و میراث غنی اسلامی از آن تاریخ جدا شد، مثل ترکیه. در کشورهای آسیای میانه خط را تغییر دادند، خیلی از کشورها اصلاً عربی بلد نبودند و بعضی از نویسندگان خوب اسلام‌شناس نوشته‌های اولیه آنها عربی نبوده چون بلد نبودند، به فرانسوی بوده و از بزرگان به تدریج عربی یاد گرفتند. آقای دکتر عبدالله درازی که از اندیشمندان بزرگ الجزایر است و کتاب‌های زیادی دارد، *اخلاق فی القرآن* و... کتاب‌های اول او همه به زبان فرانسه بوده و بعد به عربی ترجمه شد، اخیراً به تدریج چند کتاب به عربی نوشته است. انتشار آثار علمی و فرهنگی با استفاده از شیوه‌های جدید و ابزار مدرن که در دست بشر قرار گرفته است نیاز فراوان به بحث و بررسی‌های کارشناسانه دارد. من خودم در عراق زمانی کتابی دستم بود به نام فیزیک که عمیق‌ترین نظرهای علمی - فیزیکی

را خیلی زنده و جالب، به سبک رمان نوشته بود، مسایل فیزیکی به سبک زیبا و شیرینی در آن نوشته شده بود؛ مسایلی که صرفاً علمی است، این‌ها توانسته بودند به این شکل منتشر کنند. باید ما هم بتوانیم از این شیوه‌ها استفاده کنیم، ما هم مسایل زیادی داریم؛ حرف داریم، کارها و بحث‌های علمی داریم^(۱).

گسترش اندیشه اسلامی علت گرایش به معنویت و ارزش‌گرایی

اندیشه اسلامی حتی جهان غرب را تحت تأثیر قرار داده است، گرایش به معنویت و ارزش‌گرایی امروز در جهان غرب، جهانی که فرهنگش فرهنگ مادی بود، آغاز شده است. امروز برای پاپ و کشیش ارزش قائل می‌شوند. هیچ وقت سابقه نداشته که رئیس‌جمهور کشوری مثل آمریکا تظاهر کند به این که متدین و معتقد به مسیحیت و حتی متعصب است، هر روز یک یا دو ساعت کتاب مقدس می‌خواند! این‌ها همه نمادی از ارزش‌گرایی و احیای دین در جامعه امروز است که تا دیروز می‌گفتند این‌ها همه غلط و اوهام است. این بازگشت مجدد انسان به معنویت به برکت انقلاب اسلامی ماست، به برکت این تحول فرهنگی است که به دست توانای امام علیه السلام ما و علمای بزرگ امثال شهید مطهری، شهید بهشتی، مرحوم علامه طباطبایی ایجاد شده است. حتی سیاستمداران شیطان صفت ماده‌پرست هم مجبور شدند به شعارها و مسایل دینی تشبث کنند.

۱- دیدار با شورای نظارت بر صدا و سیما، تاریخ ۷۸/۹/۹

تا قبل از فتوای امام در مورد سلمان رشدی در غرب داستان و فیلم‌های موهن علیه انبیا فراوان تهیه می‌شد و کسی هم جلوی آن را نمی‌گرفت، مشتری هم داشت، می‌دیدند و می‌خندیدند، ولی بعد از آن فتوا، کشورهای اروپایی به تدریج یکی پس از دیگری قوانینی تصویب کردند که کسی حق ندارد در قصه و رمان و فیلم سینمایی به مقدسات هیچیک از مذاهب توهین کند. این مقوله‌ها را که از عصر رنسانس به بعد خرافه و جهل می‌شمردند که باید با آن جنگید، چگونه امروز قداست یافتند. این به برکت موج معناگرایی است که انقلاب اسلامی در دنیا برانگیخت. سفیر ما در واتیکان می‌گفت امروز دو میلیون کشیش فقط در مذهب کاتولیک وجود دارد و آنان را برای تبلیغ دین به همه جای دنیا می‌فرستند. این تحول فرهنگی معنویت‌گرا که در جهان شکل گرفته به برکت احیای مجدد فرهنگ اسلام است.^(۱)

توجه به تعصب اروپایی‌ها در نادیده گرفتن اندیشه اسلامی در پیشرفت جهان

بر اسلام خیلی ظلم رفته است، بخصوص از ناحیه اروپایی‌ها، آنها جنگ‌های صلیبی را علیه تمدن اسلامی به راه انداختند؛ حتی قراین تاریخی نشان می‌دهد که یکی از محرکان حمله مغول، اروپایی‌ها بودند. اکنون نیز در تاریخ‌نویسی و نگارش و تفسیر تاریخ همواره سعی می‌کنند

۱ - سخنرانی در جمع نخبگان و فرهیختگان استان فارس، تاریخ ۸۲/۳/۷

نقش تمدن اسلامی را کمرنگ کنند و نقش خودشان را پررنگ نشان دهند. بعضی از این مستشرقین، مقداری از حقایق را ابراز کرده است. در جلسات آموزشی و تربیتی این مسائل مهم مطرح شود و حقانیت و اصالت و عظمت اسلام را تبیین کنید. اروپایی‌ها به‌ویژه در این قرن اخیر، حقایق را خیلی مشوش کردند و بر ضد مسلمانان، بمباران تبلیغاتی انجام دادند. در کتاب‌ها و درس‌ها و دانشگاه‌های خود کوشیدند دستاوردهای تمدن جدید و پیشرفت‌های علمی اخیر را به‌گونه‌ای تزریق و تبلیغ کنند که مسلمان‌ها احساس خود کم‌بینی و خودباختگی کنند. طوری وانمود می‌کنند که گویا در تمدن‌های دیگر هیچ دانشی و دانشمندی وجود نداشته و ندارد. حال آنکه واقعیت این‌گونه نیست، با یک مقایسه تاریخی، نقش دانشمندان اسلامی در پیشرفت و تکامل علوم طبیعی و تجربی معلوم خواهد شد. القای این مطالب از سوی غربی‌ها هدف‌دار بوده و ریشه در کینه‌ای دارد که پس از شکست اروپا در برابر حکومت عثمانی و فتح قسطنطنیه، از اسلام به‌دل دارند. علاوه بر دشمنی اصلی که خود غربی‌ها با اسلام داشتند، شاید یهودیت نیز در تشدید این دشمنی نقش مهمی داشته است، قرآن هم به جنگ افروزی و دشمن‌سازی یهود اشاره می‌کند.

برنامه ریزی دشمن برای از بین بردن اندیشه ناب اسلامی

البته دشمنان و شیطان‌صفتان نیز بی‌کار نمی‌نشینند و سعی می‌کنند از این وضع استفاده کنند. اسلام آمریکایی درست می‌کنند، همان‌طور

که طالبان و القاعده را درست کردند. خودشان را در چهره‌های دینی و ارزش‌گرایی نشان می‌دهند، در زندگی نامه جرج بوش نوشته هر روز یک ساعت می‌نشیند با خدای خود خلوت می‌کند و کتاب مقدس می‌خواند، الهاماتی به او می‌شود. در همین جنگ عراق گفته بود خدا اراده کرده است - این از تعبیرات انجیل است - که ما پیروز شویم. دارد پوشش مذهبی به کارهای خود می‌دهد، چون می‌بیند امروز این فرهنگ مقبولیت دارد و از این طریق می‌تواند افکار عمومی را به خود جلب کند. بحث صلیبیت را مطرح می‌کند، یعنی می‌خواهد از عنصری که نزد مسیحیت قداست دارد استفاده کند.

خیلی به مشکلاتی که داریم مشغول نشویم، ما مشکل کم نداریم، ولی این مشکلات ما را از اصل نظریه و فرهنگ اسلامی دور نکند، اگر مشکلی هست از اجرای مسئولان است، ضعف خودمان را در اجرا به پای فرهنگ اسلامی نگذاریم. دشمن می‌خواهد این ضعف‌ها را به نظام اسلام نسبت دهد و بگوید فرهنگ اسلام ناکارآمد است، اسلام قابل اجرا نیست. نه! همه مشکلات و نواقص اجرایی ما از سوء مدیریت و نقص مجری است. پس لازم است فرهنگ ناب خود را دریابیم، منبع اول آن قرآن است، تمام شدنی نیست، آن قدر بطون دارد که در هر زمان و هر شرایطی می‌توان به تناسب آن زمان و شرایط از آن برداشت کرد. احادیث اهل بیت عصمت و طهارت که دومین منبع فرهنگ اسلام است، نیز چنین است. دانشمندان و فضلا و اساتید دانشگاه، جوانان و دانشجویان را بر این اساس تربیت کنند

تا در تهاجم جدیدی که غرب علیه ما شروع کرده، دوباره مغلوب نشویم. بنابراین از این جهت، همه عزیزان مخصوصاً قشر فرهنگی و نخبگان رسالت بسیار عظیمی دارند.

دشمن می خواهد ملت ما را در اعتقاد به اسلام و حکومت خود متزلزل کنند

انسان، در هر بخشی اصل است، اوست که تاریخ را می سازد و اوست که جامعه خودش را می سازد، این یک مبنا و یک اصل ایدئولوژیک اسلامی است. در مسایل مدیریتی و اجرایی هم همین است؛ مسلمانان هم واقعا منتظرند و چشم دوخته اند به تجربه حکومت اسلامی ما، واقعا هم نیازمندند. چون بالاخره تنها حکومتی که براساس اصیل ترین فقه و اصیل ترین مکتب فقهی و براساس اسلام ناب که اسلام اهل بیت است در این قرن و در این عصر برپا شده و آن غنای مکتبی و علمی و فقهی را دارد که بتواند مدعای خودش را ثابت کند، به شرطی که ما درست عمل کنیم و منضبط، مقید، متعهد و مخلصانه تلاش کنیم. یکی از جبهه های مهم استکبار علیه ما، فتنه گری فرهنگی و سیاسی و فکری است که می خواهند ملت ما را در اعتقاد به اسلام و حکومت خود متزلزل کنند، بین مسئولان نظام و مردم فتنه گری می کنند تا ایمان و اعتقاد مردم را به مدیریت مسئولان کم کنند. نقص ها را بزرگ می کنند، مشکلات اقتصادی و معیشتی را - که قطعاً یکی از اسباب اصلیش سیاست های استکباری خود

آن‌ها و تحریم‌ها و بلوکه کردن ثروت‌های کشور ماست - بزرگ می‌کنند تا نشان دهند که این نظام، کارآمد و موفق نیست و به تدریج مردم را از اصل اندیشه نظام اسلامی برگردانند و بدبین کنند. این یکی از عرصه‌های مهم جنگ روانی و سیاسی آمریکا با ماست. البته خداوند این لطف را به مؤمنان و ملت‌های اسلامی می‌کند که دشمنانشان به دست خود، خودشان را رسوا می‌کنند.^(۱)

دشمنان ما باید هزینه‌های زیادتری کنند تا بتوانند ذهنیت‌ها را از پیام‌های انقلاب اسلامی در جهان منحرف کنند.

چیزی که موجب امیدواری است، آن است که در ملت‌های جهان، به‌ویژه جوانان جهان اسلام و نیز مستضعفان جهان، زمینه خوبی برای گرایش به این انقلاب وجود دارد. این زمینه را خود انقلاب ایجاد کرد، رهبری امام قدس سره، خصلت‌ها و ویژگی‌های او تمام دل‌ها را تسخیر کرد و فضای بسیار مناسبی در کل جهان اسلام، بلکه در میان همه مستضعفین جهان ایجاد کرد. این مایه امید و عامل مساعد و بسیار مناسبی است برای فعالیت‌هایی که تا کنون انجام گرفته و در حقیقت دشمنان ما باید هزینه‌های زیادتری کنند تا بتوانند مقابل این زمینه بایستند، تشویش ایجاد کنند و ذهنیت‌ها را از پیام‌های انقلاب اسلامی در جهان منحرف کنند.

امروز بحمدالله با گذشت بیست سال از این انقلاب، دیگر اصل انقلاب

۱ - سخنرانی در جمع کارکنان نهاد قوه قضاییه تاریخ ۸۲/۱/۱۶

و نظام تثبیت شده است، ضد انقلاب داخلی تحت حمایت آنها شکست خورد، جنگ را نیز که آنها تحمیل کرده بودند، به نفع انقلاب و اسلام تمام شد و چهره کریه رژیم بعث عراق برای همه جهانیان روشن شد. آنچه امروز دشمنان سعی می‌کنند به وسیله آن مانع از صدور پیام‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی شوند، تبلیغ علیه موفقیت این نظام است. امروز مبارزه و دشمنی با این انقلاب مربوط به جنبه مدیریتی نظام است. امروز تهاجم دشمن بیشتر از این منظر شروع شده و سعی دارد که با قبول اصل این انقلاب به‌عنوان یک واقعیت و یک تحول، آن را این گونه تفسیر کند که این تحول، تحول کورکورانه‌ای بوده است، مردم از ظلم و فشارها و نابسامانی‌هایی که در رژیم گذشته بود به تنگ آمده بودند و می‌دانستند چه نمی‌خواهند؛ اما نمی‌دانستند چه می‌خواهند! از این رو انقلاب کردند، اما یک دید دقیق و علمی و مبتنی بر بینش سیاسی و افکار منظم، پشت سر این انقلاب یا نبوده و یا اگر بوده طور دیگری بوده و علما و روحانیان و مسئولان انقلاب توانسته‌اند از آن فضا استفاده کنند و مردم را کورکورانه به طرف طرح حکومت اسلامی و نظام دینی بکشند. بر این اساس برنامه‌ریزی برای حکومت اسلامی در عین استفاده از تکنیک‌های پیشرفته روز، باید بر اساس دیدگاه‌های اسلامی باشد، مبناها و دیدگاه‌های اسلامی همه قابل برنامه‌ریزی است به شرطی که با تحقیق و تأمل عمل شود^(۱).

۱ - دیدار با رئیس و معاونان و جمعی از پژوهشگران سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تاریخ ۷۹/۵/۱۸

هدف اصلی دشمن ترویج شکست اندیشه اسلامی در مدیریت جامعه و حکومت اسلامی

یکی از هدف‌های اصلی دشمنان نظام و انقلاب اسلامی همین است که شکست اندیشه اسلامی را در مدیریت جامعه و حکومت ترویج کند و با این کار می‌خواهد از صدور عظمت این انقلاب به جهان جلوگیری کند. دشمنان برای این کار از ابزارهای گوناگونی استفاده کرده و می‌کنند و به‌ویژه از سخنان و مصاحبه‌های عناصر مطرود انقلاب و سرخوردگان نظام مقدس جمهوری اسلامی که با مطرح کردن شعارهایی برخلاف احکام و اصول این انقلاب و قانون اساسی و مبانی فقه اسلامی، ادعای ناکارآمدی و ناموفق بودن نظام را تکرار می‌کنند. این قبیل اعمال بدترین و خطرناک‌ترین ضربه را به انقلاب می‌زند، زیرا سخنان آنها به‌عنوان کسانی که زمانی در متن این انقلاب بوده‌اند، سند علمی دشمنان اسلام علیه نظام اسلامی و کارآمدی نظام اسلامی می‌شود. هم اکنون این اظهارات به‌عنوان تأیید و بازگشت به نظام سکولاریسم جهانی و بیگانه از اسلام قلمداد شده و دلیل شکست نظام اسلامی به شمار می‌آید. اینجاست که تأثیر مخرب کسانی که مطرود انقلاب‌اند در ضربه زدن به نظام اسلامی، به‌خوبی احساس می‌شود^(۱).

بنگاه‌های تبلیغاتی غرب با استفاده از سادگی و ضعف این افراد

۱ - سخنرانی در جشنواره شهید رجایی، تاریخ ۷۹/۶/۸

مخصوصاً بعضی از روحانیان که سابقه انقلابی هم داشتند و در اثر عقده‌ها و مشکلات شخصی و یا هوای نفسانی از نظام بریدند، مصاحبه‌هایی انجام می‌دهند و ادعای برگشت از نظام اسلامی، خط بطلان کشیدن بر آرمان‌های امام قدس سره و علما و مجتهدین و دانشمندان اسلام‌شناس و مردم مؤمن را از زبان آنها منتشر می‌کنند. برگشت این افراد از اصول و مبانی انقلاب اسلامی را مهم‌ترین دلیل بطلان اندیشه سیاسی اسلام می‌دانند، از این رو بیشترین اصرار را دارند که با این قبیل افراد تماس برقرار کنند و برگشت آنها را از اندیشه انقلاب اسلامی به همه جهان منعکس کنند. هدف دشمن از نشر این سخنان، اثبات ناکارآمدی مدیریت اسلامی و شکست اندیشه سیاسی اسلام برای اداره جامعه امروز است.

امروز مدیریت دولت کریمه اسلام با طرح‌های نو و مبتنی بر تعالیم اصیل اسلام همچون عدالت اجتماعی و با به چالش کشیدن انحرافات امپراتوری سرمایه‌داری جهانی در جهان مطرح است. این مطلب پس از پیروزی انقلاب به‌عنوان یک حقیقت بزرگ نظر تمام جهان را به خود جلب کرده و در حقیقت یک نوع غلبه فرهنگی و فکری بر مکتب‌های سیاسی اجتماعی رایج در جهان، پیدا کرد و خط بطلان بر تمام آن اندیشه‌ها کشید. بنیانگذاری نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک حادثه بسیار عظیم فرهنگی و اجتماعی در جهان مطرح شد و ذهن و دل تمام جهان را به خود جلب کرد و امیدی برای مستضعفان شد، همه در انتظار الگو گرفتن و بهره‌گرفتن از برکات و شیوه‌های این انقلاب بودند. این مسئله برای

دشمنان اسلام بسیار ناگوار و غیرقابل قبول بود، از این رو در مقابل این انقلاب نوپا به مقابله پرداختند. امروز یکی از دشمنی‌های مهم آنها با ما همین مسئله است، یعنی اثبات ناکارآمدی و ناموفق بودن و در نتیجه اثبات شکست اندیشه اسلامی در عرصه حکومت و اداره کردن جامعه، بنابراین برنامه‌ریزی برای حکومت اسلامی در عین استفاده از تکنیک‌های پیشرفته روز، باید بر اساس دیدگاه‌های اسلامی باشد، و برای مقابله با مبنایها و برنامه‌ریزی‌های دشمن برنامه‌ریزی کرد به شرطی که با تحقیق و تأمل عمل شود.

اندیشه‌ی اسلامی، منبع عزت و اقتدار ملت

آنچه مهم است آن است که مردم عزیز کشور ما هوشیار باشند و بدانند که تمام عوامل عزت و اقتدار و موفقیت نظام جمهوری اسلامی در چیست و دشمن آن کیست؟ خصلت‌های نهفته در این ملت با رهبری امام بزرگوار فعال شد و با هدایت امام علیه السلام و مجاهدت‌های علمای بزرگ، شهدای محراب، فضایی حوزه‌های علمیه و ایثارگری‌ها و اخلاص و صداقت مردم عزیز، این ملت به استقلال و عزت و نظام اسلامی مطلوب خود رسید، انقلابی که آرزوی دیرینه همه ملت‌های اسلامی بود؛ و آنچه را که برای دشمنان اسلام قابل تصور نبود و حتی احتمال آن را نیز نمی‌دادند، متحقق ساخت. این نیرو و این سرمایه‌ها از چشم دشمنان مخفی بود، آنها هیچ‌گاه احتمال نمی‌دادند که یک عالم دین، یک مرجع تقلید بتواند این نیروی عظیم را به کار گیرد و از آن حکومتی بسازد و جامعه‌ای اسلامی بنا

کند و این جامعه بتواند سر پای خود بایستد و با همه قدرت‌های شیطانی و همه ترفندهای مستکبران جهان مقابله کند. قدرت‌های استعماری، در طول دو قرن اخیر، جهان پهناور اسلام را تکه‌تکه کردند و هر قطعه آن را در اختیار یکی از کشورهای مستکبر و استعمارگر اروپا قرار دادند. آنها خیال می‌کردند که اقتدار جهان اسلام از میان رفته و دین اسلام مانند مسیحیت، قدرت و هنر حاکمیت و مدیریت جامعه را ندارد و نخواهد داشت و محدود است در عبادات و آداب و رسوم و در تشریفات مذهبی یا حداکثر در مسائلی مربوط به خانواده و ازدواج و طلاق و از این تجاوز نمی‌کند. بنابراین، ظهور یک نهضت قدرتمند سیاسی و اجتماعی از درون این دین و بر اساس آموزه‌های دینی، برای آنها قابل تصور نبود. ذهنیت مستکبران این بود که مدیریت جامعه و اداره کشور در توان ادیان نیست و خارج از محدوده دین است. غافل از اینکه اسلام با مسیحیت و علمای اسلام با کشیشان و مردم مسلمان با مردم مسیحی فرق دارند.^(۱)

معمار این انقلاب، حضرت امام قدس سره با رهبری حکیمانه خود توانست نیروی عظیم ایمان به اسلام و ارزش‌ها و احکام نورانی اسلام را در همه ابعاد به حرکت درآورد و از این مردم مسلمان که در اثر حوادث مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دو قرن اخیر به انفعال گراییده بودند، مردمی مقاوم، ایثارگر، مجاهد، عدالت‌خواه، و عاشق ارزش‌های اسلام و معتقد اسلامی ایجاد کرد به برتری نظام اسلامی ساخت. امام در سطح

۱ - سخنرانی در جمع مردم تبریز، تاریخ ۷۹/۶/۲۳

کلان، مردم را و در سطح خاص، مدیرانی را تربیت کرد و یک نظام نوپای مقتدر اسلامی ایجاد کرد که در همه ابعاد مورد نیاز جامعه مدرن امروز است؛ چیزی که غیرت همه دشمنان اسلام و شاید برخی دوستان مسلمان را هم برانگیخت. چون امر غیرمحمتملی بود، از این رو دشمنان ما، منابع و عوامل اصلی این انقلاب را نه سابقاً و نه در زمان نهضت و نه بعد از انقلاب نتوانستند بشناسند. چون منبع اصلی این انقلاب ایمان و اعتقاد دینی مردم و تربیت اسلامی آنهاست که در درون بوده و با ذات و روح آنها عجین شده است. دشمنان ما به این جوهره ایمانی، اعتقاد ندارند و تعریفشان از انسان و جهان با تعریف اسلام فرق می‌کند، لذا قدرت دریافت و درک صحیح این ابعاد را هم ندارند. پس مقابله آنها با ما و تهاجمی که علیه جامعه و فرهنگ و نظام سیاسی ما به راه انداختند، مبارزه ناموفقی است؛ چون آنها همه عوامل را محدود در عوامل مادی می‌دانند و روی دیگر سکه جامعه اسلامی را نمی‌توانند ببینند.

اندیشه اسلامی بر تمام اندیشه‌ها غلبه دارد

ایدئولوژی‌های مادی گروه‌ها و احزاب در بین ملت‌های اسلامی مندرس شده است و به جای آن ایده‌های افکار و اندیشه‌های ناب اهل بیت علیهم‌السلام رواج یافته که نتیجه آن بیداری اسلامی در کشورهای منطقه است، باید با بهره‌مندی از اندیشه‌های علمای راستین اسلام، کسانی که پای مکتب اهل بیت علیهم‌السلام تلمذ کرده و از امور زمان اطلاع دارند و قدرت تاثیرگذاری

آنان در جامعه زیاد است و همچنین ظرفیت‌ها و شرایط موجود در راستای پیشبرد اهداف نظام اسلامی حداکثر استفاده را برد. مکتب اسلام تغییر دهنده زندگی انسان‌ها و تامین کننده سعادت آن‌ها است، امروز به برکت انقلاب اسلامی و نفوذ تفکر اسلامی و به واسطه عملکرد درست حوزه‌های علمیه شاهد تحول شگرف در جوامع و ملت‌های مسلمان و ریشه دار شدن اندیشه‌های اسلامی در این ملت‌ها هستیم.

در کشورهای اسلامی جوانان با استفاده از ایده‌های اسلامی و شعارهای امام راحل و ملت ایران، جریان‌های قوی را شروع کرده‌اند که نمونه آن قیام اخوان المسلمین در مصر است. امروز اندیشه اسلامی بر تمام اندیشه‌ها غلبه دارد؛ و این امر به خاطر روح بلند امام راحل و خلوص این مرد الهی است که توانسته جان‌های مرده را زنده کند. اسلام نابی که امام راحل و مراجع تقلید به جامعه عرضه کردند، به یک جریان اجتماعی و فکر جمعی تبدیل شده است.

در حال حاضر جامعه اسلامی توجه خاصی به علمای دین دارد؛ در حالی که قبلاً چنین نبوده و این مطلب برگرفته از متن‌ها شدن امت‌ها نسبت به تبعیت آن‌ها از پادشاهان است. نفوذ اسلام در ملت‌های اسلامی موجب هراس استکبار و بدخواهان شده است و قطعاً آنان سعی دارند، تحولات منطقه را مدیریت کنند تا منافع و دزدی‌های خود را در جهان اسلام ادامه دهند. طلاب و فضلا باید در عرصه تحصیل و تهذیب جدیت به خرج دهند، چون امروز جهان اسلام به عالمان متقی و زمان شناس نیازمندیم است.

بی تردید گرد هم آمدن فرزندان امت اسلامی در مجامع و محافل با مدیریت قرآن کریم می تواند فراهم کننده فرصتی هرچند اندک برای تعمق و تدبر در ابعاد و اکناف قرآن و گستره رحمانی و معجزه دائمی و نقش بی بدیل آن در تربیت فردی و اجتماعی افراد باشد در میان اوصاف بیشمار و فضایل بی پایان قرآن کریم آنچه که در هر حرکت و فعالیت فکری و فرهنگی با محوریت این کتاب نور و هدایت باید همواره مورد توجه و تاکید قرار گیرد، نقش و جایگاه قرآن در به حرکت درآوردن ضمائر و نفوس انسانی و قدرت و توان مافوق تصور آن در ساخت و پرورش افرادی است که سلوک فردی و اجتماعی آنان مطابق با عالی ترین هدف خلقت یعنی عبودیت و معرفت خداوند می باشد داد از آنجا که قرآن کتاب هدایت انسان و انسان موجودی است که در او عقل و احساس و عاطفه به عالی ترین صورت با یکدیگر آمیخته شده است پس لاجرم کتاب هدایت این موجود نیز تربیت عقل و قلب انسان را توأم برعهده می گیرد قرآن کریم چنین نیست که همچون قاری از مکاتب فکری بشری صرفاً از دریچه عقل و استدلال محض با مخاطبان و پیروان خود سخن بگوید زیرا در این صورت تنها توانسته است یک سری از مفاهیم مجرد عقلی را بدون اینکه نقشی در زندگی عملی فرد و جامعه داشته باشد به او القا کند وی اظهار کرد: پرواضح است که چنین برداشتی از قرآن با هدف بعثت و انزال کتب و میزان که به تعبیر قرآن بر پایه جامعه مبتنی بر قسط است فرسنگها فاصله دارد. اگر قرار باشد این مفاهیم و آموزه های نظری در زندگی

عملی انسان تبدیل به ابزار و موتور حرکت و تکامل او شود باید از ساحت عقل به ساحت دل ظهور کند و هر باور عقلی یا عاطفه یا حس متناسب با خود را پیدا کند و با آن گره بخورد و دل انسانها را به تسخیر خود درآورد قرآن کریم این حقیقت را که اندیشه اسلامی قاعده هرم محبت و عشق هر مسلمان است با تحلیلی بس دلنشین در آیه ۲۴ سوره توبه چنین می فرماید "بگو اگر پدران و فرزندانان و برادران و همسران و عشیره تان و اموالی که اندوخته اید و تجارتی که از کساد شدنش بیم دارید و خانه هایی که می پسندید، نزد شما از خدا و رسولش و جهاد در راه او محبوب تر است پس منتظر بمانید که خداوند امر خویش را بیاورد و خداوند فاسقان را هدایت نمی کند." از دیدگاه اسلام و باورهای اسلامی باید قرآن پایه عمیق ترین احساسات و عواطف فرد مسلمان باشد، عاطفه ای به مثابه حب خدا و رسول او و رسالت آسمانیش که باید بر هر احساس و علاقه دیگری مانند علاقه به پدر و مادر و فرزند و برادر و همسر و مسکن چیره گرد جهان بینی قرآنی همان گونه که سنگ بنای اندیشه و جهان بینی انسان مسلمان را تشکیل می دهد پایه و اساس شکل گیری عواطف و احساسات و حب و بغض او نیز به شمار می رود و به شیوه های مختلف این احساسات را در وجود او بارور می سازد در چنین وضعیتی طبیعی است که هر اندازه عمق باورهای شخصی بیشتر باشد، عمق عاطفی که بر این باورها استوار گشته و همه زندگی انسان را دربر گرفته نیز بیشتر می شود و در نتیجه هویت اسلامی شخص مسلمان کامل تر خواهد شد.

انقلاب اسلامی پایه گذار اندیشه اسلام ناب

حادثه بزرگ انقلاب اسلامی و برپایی نظام مقدس جمهوری اسلامی نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان است. این حادثه اوضاع جهان را دگرگون و تحولی عظیم در امت اسلامی ایجاد کرد و ضربه‌ای بزرگ بر پیکره استکبار جهانی و دشمنان دیرینه اسلام نواخت. به حق، این انقلاب، نوید همان وعده بزرگ الهی در تاریخ بشر است که خداوند متعال در همه ادیان الهی و مخصوصاً در دین مبین اسلام به صالحان زمین داده است: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ این وعده قطعی و سنت الهی است که آینده زمین برای صالحان است. صالحان چه کسانی هستند؟ کسانی هستند که تعالیم و احکام الهی را بر روی زمین احیا می‌کنند. حادثه پیروزی انقلاب اسلامی و احیای نظام مقدس جمهوری اسلامی، اولین نوید این وعده بزرگ الهی است. پس از قرن‌ها مخصوصاً در دو قرن اخیر که جهان اسلام مورد تاخت و تاز و تجاوز مستکبران و طاغوتیان عصر بود نه تنها ثروت کشورهای اسلامی به یغما برده شده و تحت سلطه و سیطره استکبار جهانی قرار گرفته بود، بلکه فرهنگ و اعتقاد ملت‌های اسلامی هم فتح شده و اندیشه‌های الحادی در جهان اسلام رخنه کرده بود. به مدت بیش از یک قرن، استعمارگران با ابزارهای گوناگون فرهنگی خود، توانسته بودند کشورهای اسلامی را قطعه قطعه کنند و اندیشه‌های بیگانه از اسلام را در جوامع اسلامی رواج دهند و احزاب و گروه‌ها و

مدافعان فکری و فرهنگی برای خود در جهان اسلام ایجاد کنند. این در حقیقت هجمه کفر جهانی معاصر بر علیه اسلام بود. این تهاجم بر پیکره جهان اسلام، مخصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم، گسترش پیدا کرد. در چنین شرایطی حتی احتمال ظهور حکومتی به عنوان حکومت اسلامی به ذهن آنها خطور نمی‌کرد. سردمداران کفر جهانی تصور نمی‌کردند که روزی در جهان اسلام اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی اسلام از نو احیا شود، حتی در حد فکر و اندیشه تا چه رسد به تأسیس حکومت^(۱).

با پیروزی انقلاب اسلامی این باور استکبار شکست و ملت‌های اسلامی که می‌رفتند که بی‌هویت شوند مخصوصاً در بعد سیاسی و اجتماعی، حیات و هویتی دوباره یافتند. انقلاب اسلامی ایران نشان داد که اندیشه اسلام ناب با همه دشمنی‌هایی که علیه آن صورت می‌گیرد، هیچ‌گاه از بین نخواهد رفت، این وعده و سنت الهی است. حال و هوای اوضاع جهان اسلام قبل از انقلاب اسلامی را با وضعی که امروز در جهان و مخصوصاً جهان اسلام شکل گرفته است مقایسه کنید تا معلوم شود چه تحولی امروز به برکت این انقلاب ایجاد شده است. امروز جهان اسلام بلکه کل جهان تشنه این ایده‌هاست که در طول این سه دهه توانست موفقیت و کارایی خود را در مدیریت داخلی و بین‌المللی نشان دهد و الگوی جهان اسلام در مقابله با استکبار باشد. انتفاضه نسخه‌ای برگرفته از ایده‌های امام راحل است، استراتژی انتفاضه همان استراتژی نهضت اسلامی و ایثارگری و

۱ - سخنرانی در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه امام حسین علیه السلام تاریخ: ۸۱/۷/۹

شهادت‌طلبی برگرفته از مکتب عاشورایی است. این مکتب قبل از انقلاب در حد یک نظریه بود، انقلاب اسلامی این نظریه را عینیت خارجی بخشید و از این رو قلوب و افکار ملل مسلمان را متوجه خود کرد.

قیام و حماسه عاشورای امام حسین علیه السلام از آن رو توانست تاریخی را به حرکت درآورد و نسل‌هایی را به جهاد و مبارزه علیه طاغوتیان وادارد و درس و عشق شهادت را به بشریت بیاموزد، که امام حسین علیه السلام ایثار و شهادت‌طلبی را عینیت بخشید. بیان نظریه‌ها و مفاهیم هر قدر هم عالی باشند اگر عینیت نیابند تأثیر چندانی نخواهد داشت.

رمز موفقیت ما این بود که این انقلاب توانست ایده‌های اسلام ناب را نه تنها در حد نظریه مطرح کند، بلکه آنها را در عمل در همه عرصه‌های زندگی نشان دهد. امروز انتفاضه فلسطین این چنین تفسیر و تحلیلی دارد، قیام ملت عظیم ما و ملاک‌ها و مبانی این نهضت را در عینیت خارجی دیدند، دیدند که مردم چگونه در مقابله با ظلم از هیچ چیز نترسیدند و از خون و مال و فرزند خود به آسانی گذشتند، آنان هم یاد گرفتند و همین شیوه را به کار بستند. با حرف نمی‌شد این شیوه را در دل و جان ملت فلسطین تزریق کرد، فقط عمل می‌تواند این تأثیر را بگذارد. عینیت بخشیدن به ایده‌های ناب اسلام کار بسیار دشواری است و البته تاوان سنگین و هزینه بزرگی هم دارد. وقتی الگوسازی انقلاب اسلامی موجب بیداری دیگر کشورهای اسلامی شد، آمریکا هم با تحریم‌های سیاسی و اقتصادی و تحریک و تجاوز نظامی به مقابله با آن برخاست.

به هر حال امروز در تمام بخش‌های حیات اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی، اندیشه اسلام ناب به عنوان اندیشه برتر و موفق‌تر و منسجم‌تر با فطرت و هویت ملت‌های اسلامی در کل دانشگاه‌ها و حوزه‌ها و مراکز علمی جهان اسلام مطرح است. این تحول در دل و جان نسل جوان و دانشگاه‌هایشان نفوذ کرده است. قبل از انقلاب، تحصیل‌کردگان کشورهای اسلامی دم از اسلام نمی‌زدند، عزت خود را در اسلام نمی‌دیدند، همه چشم و دلشان به سمت آمریکا و اروپا یا شوروی سابق بود. امروز نه تنها اندیشه‌های مارکسیستی شکست خورد و کنار رفت، اندیشه‌های لیبرالیستی غرب هم در محافل علمی جهان اسلام جایگاهی ندارد. این از دستاوردهای انقلاب ما است.

امروز جهان غیراسلامی هم دارد از این الگو استفاده می‌کند، نمونه آن مقاومت مردم ونزوئلا در برابر کودتای آمریکایی است. به اعتقاد بنده تحولاتی که در کشور ما و در جنوب لبنان و فلسطین رخ داد و تظاهرات میلیونی جهان اسلام بر علیه آمریکا، به مردم ونزوئلا قدرت داد که در مقابل کودتایی که آمریکا طراحی کرده بود مقاومت کنند و کودتای نظامی را بعد از ۲۴ ساعت درهم بشکنند.

تاثیر افکار و اندیشه‌های اسلامی انقلاب اسلامی بر جهان

امروز بحمدالله در شرایط فعلی جهان، نظام مقدس جمهوری اسلامی و آرمان‌ها و ایده‌های آن با وجود همه دشمنی‌ها و تلاش‌های استکبار

به عنوان برترین الگو در جهان اسلام مطرح است. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، همین مطرح کردن ایده‌های اسلام ناب بود، ایده‌هایی که قبل از آن در عرصه مسائل سیاسی، فرهنگی، فکری، اعتقادی به هیچ وجه مطرح نبود یا به گونه مسخ شده و تحریف شده‌ای مطرح می‌شد. نظام مقدس جمهوری اسلامی، رهبری عالمانه و هوشمندانه معمار حکیم انقلاب و خلف صالح ایشان و حضور و مشارکت چشمگیر مردم در عرصه‌های مختلف انقلاب چه در دوران نهضت، چه در دوران جنگ تحمیلی و دفاع مقدس و چه در دوران سازندگی و آبادانی، در همه این عرصه‌ها با همه مشکلات توانسته است این دستاورد را به جهان اسلام عرضه بدارد. ما چون داخل نظام هستیم، خبر نداریم که این نظام چه جایگاه و شأنی در خارج دارد. ایده‌های نظام، اندیشه‌های بلندی که این نظام متکی بر آن است، قانون اساسی ما، سیاست‌های نظام در عرصه‌های مختلف، در جهان اسلام حتی در همه جهان الگوی جدید مبارزه با استکبار شده است. نظام ما متکی بر اسلام ناب یعنی اسلام اهل بیت علیهم‌السلام است لذا توانست این ایده‌ها و این افکار سعادت‌بخش و حیات‌بخش را نه در سطح فکر و تئوری، بلکه در عرصه عملی حکومت و مدیریت و در عینیت جامعه در ابعاد مختلف عرضه کند. این ایده‌ها به تدریج برای کشورهای دیگر الگو شد، آنچه که امروز در جهان اسلام می‌گذرد، برگرفته از سیاست‌های انقلاب اسلامی و متکی و مبتنی بر همان منطق و جهاد و شهادت‌طلبی مکتب عاشورایی است. مشخص شد که این روش، در مقابل مستکبران و زورگویان و اشغالگران، روش کارآمدی است. اصل این که اسلام یک

مکتب زنده است و در همه زمان‌ها برای همه نیازهای فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی بشر پاسخ دارد، بلکه برتر از طرح‌ها و نسخه‌هایی است که مکتب‌های بشری برای مردم می‌پیچند، امروز در کل جهان مطرح شده و این از برکات و دستاوردهای انقلاب ماست^(۱).

امروز جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام ارزشی توانسته است سیاست را با اعتقادات فطری بشر، مشارکت مردم را با مدیریت متمرکز و قاطع و مستحکم، معنویت را با مادیت، فکر و عقل را با قلب و وجدان تلفیق دهد و نظامی منسجم با فطرت انسان‌ها پدید آورد. این را نه تنها ادعا کند - که این ادعا در افکار و اندیشه‌ها و کتاب‌ها همواره بوده بلکه عینیت ببخشد. خیلی فرق هست بین این که مسئله‌ای در حد تئوری مطرح شود یا این که جامه عمل بپوشد، وقتی جامه عمل پوشید و در عمل موفق شد، تأثیر آن و تأثر مردم از آن چندین برابر خواهد شد.

بحمدالله این انقلاب در همه این عرصه‌ها اولاً حرف برتر دارد، ثانیاً آن را عملی کرد. یکی از اساتید سابقه‌دار بسیار عالی‌مقام کشور عربستان مدتی قبل اینجا بود، کشوری که از لحاظ مذهبی اختلاف شدید با ما دارد مخصوصاً گرایش‌های وهابی‌گری و سلفی‌گری که در آنجا رایج است، نگاه بسیار بدبینانه‌ای به مذهب ما دارند، ولی آن استاد می‌گفت افکار و اندیشه‌های انقلاب اسلامی، دانشگاه‌های سعودی را تحت تأثیر قرار داده است.

۱ - سخنرانی در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشکده علوم قضایی تاریخ ۸/۷/۸۱

هم اکنون وقت نورافشانی و ثمردهی این نظام است، فرهیختگان ما باید ایده‌های برتر و اندیشه‌های اسلام اهل بیت را در بعد نظریه‌پردازی، در قالب‌های امروز تدوین و عرضه کنند و در بعد عملی به اجرا درآورند. یکی از این ابعاد، حقوق و قضااست که موضوع آموزش در این دانشکده است. امروز جهان اسلام تشنه آن است که اندیشه‌ها و افکار حقوقی و سیاست‌های حقوقی و قضایی نظام ما را بداند و از آن استفاده کند. ما متأسفانه این کار را کم کردیم، این کار مخصوصاً در قسمت تخصصی آن سنگین‌تر است و نیاز به دانش گسترده و اشراف به مبانی فقهی اسلام دارد.

آمادگی برای پذیرش اندیشه‌های ناب اسلامی خیلی زیاد است

در شرایط فعلی و به بن‌بست رسیدن تمدن‌های بشری و مادی، انسان امروز مراجعه باطنی و بازنگری داده‌های فرهنگ مادی را آغاز کرده است، آمادگی برای پذیرش اندیشه‌های ناب اسلامی خیلی زیاد است. معارف اسلامی نامحدود است، چون از منبع نامحدود وحی آمده است، همه چیز هم در آن وجود دارد، فیه تَبیانٌ کُلِّ شَیْءٍ. مسایل فکری و اعتقادی بشر در ادوار مختلف، مدام فرق می‌کند، شبهه‌هایی که مثلاً در ۱۰ قرن پیش نسبت به اعتقادات اسلامی مطرح بود، حالا دیگر مطرح نیست، امروز شبهه‌های جدیدی هم در بحث‌های فلسفی و کلامی، هم در بحث‌های اجتماعی و سیاسی، مطرح است. اصلاً نوع الحاد امروز، الحاد عملی است، نه الحاد نظری، به جای شبهه‌های کلامی درباره وجود خدا، الگوهای

اجتماعی ملحدانه‌ای را طراحی و اجرا می‌کنند. پاسخ این الگوها باید داده شود، اسلام هم در اینجا باید الگوهای مدیریتی، سیاسی و اجتماعی، متکی بر دیدگاه‌های توحیدی خود را مطرح کند. آنها خدا را از زندگی مردم کنار گذاشته‌اند و افکار مدیریتی و اجتماعی خودشان را که مبنای الحادی دارد، در زندگی اجتماعی اعمال می‌کنند، ساز و کار مقابله با این الحاد عملی هم باید با آن تناسب داشته باشد.

خوشبختانه جریان عملی مدل‌ها و مکتب‌های بشری، آنها را خود به خود به بن‌بست کشانده است. ببینید با مسئله حقوق بشر چگونه دوگانه و تبعیض‌آمیز برخورد می‌کنند، هویت یک کشور و ملتی را مصادره می‌کنند، انسان‌های بی‌گناه را زیر تانک له می‌کنند، شهرها را تخریب می‌کنند، اینها هیچ کدام خلاف حقوق بشر نیست، اما مثلاً یک بازداشت اشتباهی در کشور ما را در بوق و کرنا می‌کنند که وای حقوق بشر از بین رفت! آنها خود مشخص می‌کنند چه چیزی حقوق بشر هست و چه چیزی حقوق بشر نیست، کدام بشر حق دارد و کدام بشر حق ندارد و باید زیر تانک آنها له شود. کدام سرزمین حق استقلال دارد و کدام سرزمین ندارد، خجالت هم نمی‌کشند که این‌طور رأی می‌دهند و این‌طور تصویب می‌کنند. تکنولوژی هسته‌ای فقط مال زورگوها و ابرقدرتهاست و بقیه کشورها حق ندارند از نیروی هسته‌ای، از این علم و دانش بشری که در ملک یک فرد و یک کشور نیست، استفاده کنند. در هر بخشی که وارد می‌شویم، می‌بینیم امروز بدترین شکل تجاوز به حقوق بشر را خود مدعیان حقوق بشر که

کنونسیون دروغینی را هم درست کرده‌اند، دارند انجام می‌دهند، و از بس مسئله برایشان عادی شده است، شرم هم نمی‌کنند^(۱).

پاسخ‌های درست به نیازهای بشر در مکتب اسلام ناب است، انقلاب ما آموزه‌های اسلام را احیا کرده است و به شکل قانون درآورده است، این حقوق عامه و کرامت انسانی که در قانون اساسی ما آمده، متخذ از اندیشه‌ی اسلام ناب است. در این انقلاب ظرفیت بسیار بالایی برای روشنگری و بیدارسازی هم جامعه خودمان - مخصوصاً نسل‌های جوان که آن وقت نبودند - و هم جهان وجود دارد. باید از این ظرفیت‌ها استفاده کرد و پیام این انقلاب را به خوبی در جهان منتشر کرد.

این پیام است که تمدن ساز است و انسان‌ها را به طرف آرمان‌های بلند اسلامی و الهی هدایت می‌کند. این پیام است که زمینه‌ساز آن روز موعود خواهد شد. اجمالاً کار عظیم و تحول بزرگی به دست این ملت و به رهبری امام بزرگوار که از سلاله ائمه اطهار بود، شروع شد به گونه‌ای که الان می‌بینیم شعار مقابله با آمریکا که از شعارهای مختص انقلاب ما بود، امروز شعار رایجی در جهان اسلام شده است. امروز می‌بینیم در عربستان سعودی که از پایگاه‌های آمریکاست، چگونه در حج فریادهای مرگ بر آمریکا و اسرائیل و دفاع از ملت مظلوم فلسطین و عراق، بلند شد. راه مبارزه با استکبار هم همین است. باید با اندیشه‌های نو در مقابل دو گرایش افراط‌گرایی و واگرایی که امروز دامن‌گیر جهان اسلام است، با قوت ایستادگی کند.

۱ - سخنرانی در جمع اعضا و مسئولان ستاد دهه فجر، تاریخ ۸۳/۱۰/۲۹

زمینه پذیرش جهانی الگوهای نظام اسلامی

ما همه سرنشینان یک کشتی هستیم، اگر خدای نکرده این کشتی در امواج پرتلاطم جهان امروز بشکند؛ همه غرق می‌شویم. همه می‌دانیم که این نظام چقدر ارزش دارد و در عین حال چقدر دشمن دارد. امروز شعارهای ارزشی این نظام در مناطق دور و نزدیک جهان تأثیرگذار است و این در اثر روشن بودن و فطری بودن این شعارهاست، چرا که اسلام دین فطرت بشری است.

ما در هر بخشی درست وارد شویم و با همدلی و همفکری الگوهای اسلامی خود را در درون نظام پیاده کنیم، بعد آن را به دنیا عرضه کنیم؛ زمینه پذیرش جهانی دارد^(۱). ما در بسیاری از عرصه‌های فکری می‌توانیم جهان امروز را فتح کنیم. اسلام در عرصه فرهنگ و سیاست و مدیریت کلان جامعه، سخنان بسیار دارد. بیاییم این اندیشه‌ها را از اسلام استخراج کنیم و در درون نظام خودمان اجرا کنیم و مشکلات اجرایی آنها را برطرف سازیم، بعد خواهید دید که چگونه سراسر جهان از ما الگو خواهند پذیرفت. چون وجدان انسان‌ها بالفطره حق‌جو و عدالت‌طلب است.

در صدر اسلام هم به همین جهت اسلام به سرعت منتشر شد و بخش اعظم دنیا را فتح کرد. قدرت نظامی اسلام آن قدر نبود که بتواند

۱ - سخنرانی در جلسه شورای اداری اصفهان، تاریخ ۷۹/۸/۳۰

با شمشیر و سرنیزه دنیا را فتح کند، به‌ویژه ابرقدرت‌های رُم و ایران را فقط با قدرت شمشیر نمی‌شد؛ فتح کرد. عامل اصلی پیروزی‌های سریع اسلام، غلبه حقانیت‌ها و ایده‌ها و ارزش‌های این آیین الهی بود که با فطرت بشر هماهنگی داشت. حالا هم همین‌گونه است، آثار این انقلاب در بیست سال چه تحولی در منطقه جهان اسلام و بعد در کل جهان ایجاد کرد. قطعاً این تحول روز به روز زیادتر خواهد شد و عظمت و اقتدار و عزت نظام ما روز به روز در جهان بیشتر خواهد شد. در قبال این عظمت، ما باید وظایف خود را درست انجام دهیم و قدر جایگاه خود را بدانیم. خیلی از تراحم‌ها و تضادهایی که بین اشخاص و یا گروه‌ها دیده می‌شود، وهمی و محدود است. من در تهران خدمت بعضی از دوستان مثالی زدم - به مجلس شورای اسلامی رفته بودیم - گفتم ما مثل دو شریکی هستیم که در میلیاردها ثروت با هم شریک‌اند و هیچ دعوایی سر آن میلیاردها ندارند؛ اما در یک خانه که با هم شریک‌اند، سر تقسیم اتاق‌های این خانه دعوا می‌کنند. از میلیاردها مال مشترک چشم‌پوشی کرده و همه نیرو و توان‌مان را صرف دعوا بر سر یک خانه می‌کنیم! آن همه مشترکات را می‌خواهیم در مقابل قطره‌ای از دست بدهیم. بسیاری از اختلافات ما این‌گونه است و در مسائل اصولی اصلاً تضادی نیست. دشمن هم همین را می‌خواهد که ما به مسائل جزئی مشغول شویم و از مسائل اساسی غفلت و تمام توان و نیروهای خود را در مسائل جزئی صرف کنیم.

شرایط لازم برای حراست از اندیشه اسلامی

الف - تسلط کامل بر علوم اسلامی

حافظ اسلام بودن یعنی فراگرفتن کامل معارف اسلامی و پاسداری از این معارف. پاسداری به این معناست که بتواند با دفاع منطقی و علمی شبهات را دفع کند و این کار بسیار بزرگی است. نیاز به اشراف کامل بر علوم مختلف اسلامی از فقه و اصول و کلام و تفسیر و حدیث و رجال دارد. نیاز به فراگیری عمیق و مستمر سخنان نورانی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و آیات قرآنی دارد که در حقیقت دو ثقل اصلی شریعت‌اند. این دو ثقل همچون دو سرچشمه جوشان‌اند، هر قدر که ما زحمت بکشیم و علما و بزرگان و محققان ما زحمت کشیده و می‌کشند، باز به عمق و نهایت قرآن و کلمات نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نمی‌توانیم برسیم. این دو سرچشمه عظیم، فیاض و لایزال‌اند، هر چه از آنها برداشت کنیم، باز می‌بینیم در آنها نکات جدیدی هست که می‌شود در شرایط مختلف، بهتر از آن استفاده کرد و این نیاز به تلاش و اجتهاد مداوم و مستمر دارد. در تاریخ فقه ما تنها مذهبی که دارای اجتهاد مستمر و مداوم است، مذهب ماست، مذاهب دیگر باب اجتهاد را بستند و خود را در چهار مذهب و چهار نفر محدود کردند که در حقیقت یک نوع رکود است.

ب - آگاهی از شبهات جدید

آنچه علاوه بر فراگیری گسترده معارف دینی لازم است، آگاهی و تسلط بر موضوعات شبهات جدیدی است که امروز به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب عنوان می‌شود. تا پیش از پیروزی انقلاب، انتقاد و شبهات نسبت به اسلام خیلی محدود و منحصر به بعضی از مراکز علمی و تحقیقاتی بود و در سطح جامعه خیلی گستردگی نداشت. ماهیت شبهات نیز محدود به برخی از مسائل نظری و علمی و فلسفی و امثال اینها بود و در حوزه حیات اجتماعی مردم که بخش زنده و پر حرکت زندگی انسان‌هاست و محل درگیری و کشمکش سیاست‌ها و قدرت‌ها و مکتب‌هاست، کمتر شبهات و انتقاداتی متوجه اسلام بود. چون حکومتی به نام اسلام تشکیل نشده بود و افراد و مکاتب فعال در عرصه اجتماعی، می‌پنداشتند که آن چه در حوزه‌های علمیه خوانده می‌شود مربوط به مسائل سنتی و فردی است و نقشی در عرصه کلان زندگی مردم یعنی در عرصه حکومت و سیاست ندارد و از این جهت، دین را رقیب خود نمی‌دیدند تا به آن انتقاد کنند. اما امروز که مکتب اسلام و فقه اسلام بخش پرکشمکش زندگی اجتماعی را هم دربرگرفت و حکومت تشکیل داد، قدم به عرصه‌ای گذاشت که مرکز همه نزاع‌ها و کشمکش‌های مکتب‌ها و سیاستمداران و دنیاداران و همه شیاطین انس و جن است، شبهات متوجه ابعاد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی شریعت الهی شده است. اینکه رهبر معظم انقلاب در آن بیان بسیار زیبا و جالب‌شان در حوزه علمیه قم - سه یا چهار سال

پیش - فرمودند، ما امروز نیاز به کلام جدید داریم، در حوزه‌ها دیگر نباید خیلی به کلام قدیم پرداخته شود، شبهه آکل و مأكول مشکل جامعه امروز ما نیست، شبهه تناسخ مثلاً که از شبهات کلام قدیم بود، امروز دیگر مطرح نیست. امروز یک سلسله شبهات جدید مطرح است که برمی‌گردد به اصل صلاحیت دین و شریعت الهی برای حاکمیت و مدیریت جامعه. دین مربوط به بیش از هزار سال پیش است، چگونه می‌تواند روابط جدید و مدرن جوامع بشری را امروز مدیریت کند؟ شبهات جدید از این قبیل و در زمینه‌های جامعه، سیاست، حکومت، مدیریت اجتماعی و... است.

در این شبهات، آنچه مهم‌تر از اصل شبهه است، این است که طراحان این شبهه‌ها خود برای همین موضوعات نسخه‌های آماده و نظرهای مدون و مرتب و منظم و کامل و منسجم دارند. پشتوانه این نسخه‌ها را هم پیشرفت‌های علمی و فن‌آوری و اختراعات جدید قرار داده‌اند. می‌گویند این همه پیشرفت صنعت و فن‌آوری و دانش بشر که به کیهکشان‌ها دارند می‌رسند، همه از برکات مکتب فکری ماست. زرق و برق‌های بسیار قوی، چشم انسان‌های ظاهربین را خیره می‌کند و به این نتیجه می‌رساند که هر نظام اجتماعی و سیاسی که بتواند جامعه را از نظر علمی و فن‌آوری و صنعتی و... این همه رشد دهد، برحق است. اگر بخواهید در مقابل آنها، شریعت الهی را مطرح کنید، فوراً جوامع بدوی و ابتدایی و سنتی را به‌عنوان حاصل مدیریت شریعت معرفی می‌کنند. می‌گویند: اگر بخواهید شریعت اسلامی را پیاده کنید باید از فن‌آوری جدید چشم‌پوشید و به عصر قدیم

برگردید، روابط پیچیده زندگی امروز را نمی‌توان با احکام دین تنظیم کرد. اینها شبهات کلام جدید است، امروز این شبهات مطرح است. از شبهه هم فراتر رفته و بسیاری از این مسائل جزو کتاب‌های درسی و برنامه‌های آموزش عالی شده و تدریس می‌شود. در برخی از محافل فرهنگی ما این‌گونه شبهات اگر به‌طور صریح تبلیغ نشود، به‌طور مزورانه و منافقانه و با سرپوش‌هایی و حتی گاهی با پسوند اسلامی تبلیغ می‌شود. شبهات امروز پیرامون حقوق بشر و تبعیض بین زن و مرد و موضوع‌هایی از این قبیل است، شما باید به آنها پاسخ دهید.

خانم رایبِنسُن کمیسر عالی حقوق بشر که به ایران آمده بود و با ما ملاقات داشت، اولین صحبتی که کرد این بود که چرا در حکومت و نظام قضایی شما تبعیض بین زن و مرد وجود دارد؟ او می‌داند در فقه و نظام حقوقی ما، ارث زن نصف ارث مرد است، دیه زن نصف دیه مرد است و اینها را تبعیض می‌داند. پاسخ می‌خواهد، خطرناک‌تر از اینکه نتوانیم جواب بدهیم آن است که بیاییم تسلیم شویم و بگوییم که این احکام مربوط به زمان گذشته است، امروز دیگر دیه زن باید با دیه مرد مساوی باشد. در عصر قدیم چون زنان تحصیل نکرده بودند و خانه‌دار بودند و کار اقتصادی نمی‌کردند، ارزش زن برابر ارزش یک مرد نبود، ولی امروز که زنان از نظر سطح تحصیلات و کارکرد اقتصادی با مردان برابرند، دیه آنها نیز با دیه مردان برابر است! این سخن برخی از کسانی است که ادعای فقاقت دارند و خیلی مصیبت‌بار است. از این بدتر آنکه اخیراً بعضی گفته‌اند که این

احکام مربوط به قصاص و دیه و ارث زن و مرد فقط در روایات آمده و آن هم سند درستی ندارد! شگفت‌آور است!

معنای ﴿يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا حٰفِظُوْا مِنْ كِتٰبِ اللّٰهِ﴾ این است که از احکام دین دفاع شایسته کنیم و وقتی چنین شبهه‌ای در مورد حقوق بشر، یا مسئله تبعیض مطرح می‌شود، عقب نشینی نکنیم و احکام اسلام را در اثر جهل خود نفروشیم. دست برداشتن از احکام دین در برابر شبهات جدید، نتیجه آن است که نه اسلام را درست فرا گرفتیم و نه به مبانی اندیشه و فرهنگ روز به درستی اشراف پیدا کردیم. لذا چون نتوانستیم درست دفاع کنیم، تسلیم شدیم و این همان شروع تحریف و مسخ شدن شریعت است. همان آفت و بلایی که مسیحیت و یهودیت را گرفت و به تدریج روح این ادیان را از بین برد.

ما در پاسخ خانم کمیسر حقوق بشر گفتیم که البته این بحث بسیار مهمی است و ما از این گونه بحث‌ها استقبال می‌کنیم، ولی اشکالی که در سؤال شما وجود دارد، آن است که شما یک حکم از احکام فقه - مثلاً حکم ارث یا دیه - را جدای از منظومه احکام فقه و ساختار حقوقی اسلام در نظر گرفتید و مورد اشکال قرار می‌دهید، شما باید همه احکام فقه و مجموعه دستگاه حقوقی اسلام را با هم بسنجید. اگر دستگاه حقوقی اسلام در باب ارث مثلاً گفته ارث زن نصف ارث مرد است، در باب حقوق خانواده، نفقه و مهر را واجب شمرده و بر عهده مرد قرار داده است. اگر همه احکام را کنار هم بگذارید، خواهید دید که تبعیضی وجود ندارد. اگر تعریف اسلام

از زن و مرد و نظام خانواده و مسئولیت زن و مرد در جامعه اسلامی را ملاحظه کنیم به جایگاه زن در اسلام پی خواهیم برد. در آن صورت خواهید دید که آنچه شما اسم آن را حقوق زن می‌گذارید، در حقیقت اجحاف و ظلم به زن است. بهترین دلیل این ادعا، مشاهده وضع موجود زنان در جوامع غربی است. امروز زن در جوامع شما با همه شعارهایی که مطرح می‌کنید مبدل به یک کالا شده و ابزاری برای لذت‌طلبی مردها قرار گرفته و تمام شخصیت و حرمت و حیثیت خود را از دست داده است. در بعضی از سوپرمارکت‌های اروپا از زن به‌عنوان مانکن و مجسمه استفاده می‌شود تا جاذبه داشته باشد و مشتری را جذب کند، در مقابل این کار به او پنج یا ده دلار پول می‌دهند. در جوامع غربی، نظام خانواده اصلاً از هم پاشیده است. آیا این حفظ کرامت زن و حفظ حقوق زن است؟ اما در جوامع ما، شما بیابید ببینید در ابتدایی‌ترین و عقب‌مانده‌ترین روستاهای ما، زن چقدر ارزش دارد و از چه حرمتی برخوردار است. چه نقشی در تربیت فرزندان دارد، چه نقشی در جامعه و خانواده دارد، اعضای خانواده چه عشق و علاقه‌ای به او دارند.

ج - کلام جدید و نظریه پردازی در علوم و معارف اسلامی

در کلام جدید باید به این‌گونه شبهات که گاهی زیرکانه و فریبکارانه مطرح می‌شود، پاسخ داد. این کار نیاز به فراگیری دانش‌های بسیار دارد، در هر حوزه‌ای، نوعی از شبهات مطرح است، در حوزه اقتصاد، در حوزه

سیاست، در حوزه فرهنگ و هنر، شبهات گوناگونی وجود دارد. امروز هجمه همه طرفه است، حفظ شریعت امروز به آن است که فضایی جوان حوزه‌های علمیه توجه خاص به این مسئله پیدا کنند.

من فقط تذکر می‌دهم که در حوزه‌های علمیه فرعی به محتوا بیشتر توجه شود و طلاب فاضلی تربیت شوند که اضافه بر تحقیقات دقیق فقهی و اصولی که معتقدم با همان شیوه فقه جواهری بایستی انجام بگیرد - بتوانند پاسخگوی شبهات گوناگون امروزی باشند^(۱). تحقیقات دقیق اصولی به انسان قدرت ذهنی برای تحلیل و موشکافی مسائل دقیق را می‌دهد و سرمایه و ملکه‌ای است که می‌توان در علوم دیگر نیز آن را به کار گرفت. همان‌طور که وحید بهبهانی توانست با همین منطق اصولی شبهات اخباری‌ها و شبهات اصول عامه را دفع کند و برتری اصول فقه شیعه را به اثبات برساند. منطق نیرومند علم اصول در کلام جدید هم به کار می‌آید، یعنی اگر کسی قدرت استنباط و تسلط بر مبانی و ادله را داشته باشد، در برخورد با مسائل جدید کلامی نیز تسلط خواهد داشت، البته باید مقدمات لازم این معارف جدید را نیز فرا گرفت.

با تسلط بر روش استدلال علوم اسلامی، می‌توان شبهات جدید را به صورت محققانه دفع کرد و در مقابل هر نظریه مخالف، با نظریه‌پردازی اصیل از متن اسلام، نظریه جدیدی عرضه داشت، کاری که امثال شهید

۱ - سخنرانی در حوزه علمیه اهواز تاریخ ۷۹/۱۲/۳

مطهری و شهید صدر و شهید بهشتی و علامه طباطبایی می‌کردند. آنها اگر آن قدرت علمی و اجتهادی فقهی را نداشتند، نمی‌توانستند این‌گونه در مقابل نظرهای جدید، نظریه‌پردازی کنند. نظریه‌پردازی با حفظ اصول اسلام و در عین حال جذاب، منطقی، مستحکم، مستدل، به‌روز، مدرن، که موجب خضوع و احترام دانشمندان شود. در نجف شاهد بودم که برجسته‌ترین استادان دانشگاه می‌آمدند خدمت شهید صدر، وقتی ایشان مشغول سخن گفتن بود، آنها در مقابل دانش گسترده او خضوع و خشوع می‌کردند. یکی از این استادان که از اروپا آمده بود، وقتی پرسشی را مطرح کرد و شهید صدر به آن پاسخ داد، او همچنان چشم و دهانش باز بود، بعد گفت شما در کدام دانشگاه تحصیل کرده‌اید. ایشان خندید و گفت در دانشگاه امیرالمومنین علی علیه السلام. او خیال کرد اسم یک دانشگاه یا دانشکده‌ای است، گفت نشانی آنجا کجاست. این در زمانی بود که اسلام حاکم نبود، حالا که اسلام حاکم است، اگر از این قدرت تحقیق و موشکافی در کنار این همه امکانات و ابزارهای جدید اطلاع‌رسانی استفاده شود، انوار معارف اسلام درخشش و جذبیت بیشتری خواهد داشت.

ضرورت توجه به جنبه الگو بودن نظام اسلامی و اندیشه اسلامی

این نظام الهی اکنون در سطح جهانی به‌خوبی مطرح شده و همه چشم دوخته‌اند تا ببینند این حکومت چگونه ادعاهای خود را در خصوص نظام‌سازی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی براساس آموزه‌های

دینی استوار می‌کند. بنای یک نظام دینی به نظر خودباختگان، یک ادعای غیرقابل قبول و سنتی بود و با شرایط و روابط پیچیده امروز جهان، تناسب نداشت و متعلق به زمان‌هایی بوده که جوامع بشری خیلی ساده بوده‌اند. کسانی که می‌خواستند سر و کاری با مسائل سیاسی داشته باشند سعی می‌کردند از قالب‌ها و عناوین و شعارها و شخصیت‌ها و تشکیلات فرهنگ سیاسی غرب کمک بگیرند و وارد صحنه سیاست شوند و مسائل اجتماعی را سازمان‌دهی کنند. پیروزی این انقلاب تمام این معادلات و محاسبات را بهم زد و ثابت کرد که با مبانی فرهنگی اسلام ناب می‌توان انقلاب کرد و در مقابل طاغوت‌ها ایستاد و مردم را بسیج کرد. فرهنگ سیاسی اسلام ناب و قدرت سازماندهی آن خیلی قوی است و از دیگر قالب‌ها و شکل‌های سازماندهی اجتماعی مدرن، فعال‌تر و قوی‌تر است و دارای غنا و کفایت ذاتی است و می‌تواند جامعه را به خوبی مدیریت کند. پس احقاق حق و اجرای عدالت و تحقق ارزش‌ها، فلسفه اصلی تشکیل حکومت است که به یاری خدا، جمهوری اسلامی در این طریق گام برمی‌دارد. حرکت‌های اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلامی که غالباً دنباله‌رو شیوه‌های روز بودند، به تدریج تغییر جهت دادند و از این انقلاب و راه و رسم و شعارها و آرمان‌های آن الگو گرفتند. امروزه شاهدیم که هر جا از انقلاب ما الگو گرفتند موفق و پیروز شدند و هر جا از الگوهای دیگر پیروی کردند به موفقیت نرسیدند^(۱). ما این وضع

۱ - سخنرانی در جمع کارآموزان قضایی قم، تاریخ ۷۹/۹/۳

را در فلسطین، لبنان و در تمام منطقه اسلامی به خوبی مشاهده می‌کنیم. واقعاً این‌گونه است که هر جا فرهنگ اسلام اصیل مطرح شد، به سرعت وجدان‌های سالم و فطرت‌های پاک و الهی آن را پذیرفتند. اکنون همه چشم‌ها به این نظام دوخته شده و تمام دل‌های پاک و خداجو، به آن علاقه دارند و از شعارها، نظام ارزشی، قالب حکومت، شیوه مدیریت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن الگو می‌گیرند.

حال در چنین وضعیتی کوچکترین قصور و سستی ما، به اسلام ضربه خواهد زد. کسانی که با مسلمانان خارج از کشور تماس بیشتری دارند بهتر درک می‌کنند که چقدر جنبه الگو بودن نظام اسلامی اهمیت دارد. مسلمانان جهان، بخصوص شیعیان و همه کسانی که به اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی اسلام دل بسته‌اند، مرجع و پناهگاه خود را انقلاب اسلامی می‌دانند.

لزوم احیا و نهادینه کردن عناوین مختلف اندیشه اسلامی

عناوین اجتماعی زیادی در فقه اسلامی است که شناسایی، طراحی و نهادینه نشده است و با احیای آن خیلی از مشکلات اجتماعی و سازمانی ما رفع می‌شود. متأسفانه ما عناوین اجتماعی فقه و شریعت را استخراج و مطابق نیاز روز، نهادینه نکرده‌ایم؛ اگر عنوان را از تمامی ابواب فقه جمع‌آوری کرده و نقش و اثرات و کارکرد آن را از نظر فقهی و شرعی بررسی کنیم و برای آن تشکیلات ایجاد کنیم؛ افزون بر

کارکردهای اجتماعی فراوان تأثیرات بسیار مثبتی بر فرهنگ و اخلاق جامعه می‌گذارد^(۱).

اگر در سرتاسر کشور، عده‌ای به عنوان عدول شناخته شوند و حرف آن‌ها مرجع حل مراعات باشد و مورد وثوق و احترام مردم باشد، تأثیر فرهنگی و اخلاقی زیادی بر جامعه و جوانان می‌گذارد. جوانی که ببیند، افراد عادل و مورد وثوق، منزلت و احترام اجتماعی و حقوقی دارند، سعی می‌کند که این صفات را در خودش پیاده کند و خود به خود بسیاری از ناهنجاری‌ها پدید نمی‌آید.

ضرورت اهتمام به نظریه‌پردازی و تولید اندیشه‌های اسلامی جدید

بحث تولید علم و نشر علوم، مخصوصاً معارف اسلامی یکی از مسایل بسیار مهم و اساسی مورد نیاز جامعه ماست. جامعه ما جامعه اسلامی است، نظام ما نظام اسلامی و درصدد اجرای احکام نورانی اسلام است. این‌ها قطعاً نیازمند نظریه‌پردازی‌ها، تولید معارف جدید، حل چالش‌ها و مشکلات جدید است. این هم نیاز داخلی جامعه ما و هم به نحوی نیاز همه جوامع اسلامی است؛ زیرا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ما تحولات عظیمی در کل جهان اسلام شکل گرفته است^(۲).

۱ - دیدار با کانون کارشناسان رسمی دادگستری، تاریخ ۷۸/۱۰/۱

۲ - سخنرانی در مدرسه عالی شهید مطهری، تاریخ ۸۴/۱۱/۲۶

ضرورت اهتمام به تطبیق و مقایسه اندیشه‌ها و افکار اسلامی با افکار و اندیشه‌های مشابه

خیلی مهم است که ما فلان حادثه مهم تاریخی را چگونه تحلیل و تفسیر کنیم؟ این تنوع فرهنگ‌ها، اندیشه‌ها و افکار سیاسی، از همین تفسیرها و تحلیل‌ها به وجود می‌آید. مفاهیمی که انسان از جامعه، تاریخ و انسان با قرائت‌های مختلف، برداشت می‌کند و چگونگی تفسیر حرکت تاریخ و حوادث تاریخی، فرهنگ مشخصی را در ذهن آحاد جامعه شکل می‌دهد. بسیار مهم است که چگونه این‌ها را در ذهن‌مان ترکیب کنیم و چگونه برداشت کنیم. مرجع تمام دعوای مکاتب و ایدئولوژی‌های گوناگون امروز در دنیا در حقیقت همین مسائل است، مرجع اختلاف، همین تفاوت برداشت‌ها، تفسیرها و تحلیل‌ها از تاریخ و از انسان است؛ این مفاهیم در اندیشه‌های گوناگون و در هر مکتبی به یک شکل مطرح می‌شود. پس، این مسئله بسیار مهم است که ما اولاً اسلام را چگونه بفهمیم، چگونه تعریف کنیم و هر یک از مفاهیم دیگر امثال آزادی، عدم تبعیض، عدالت اجتماعی و غیره را هم چگونه تفسیر و تعریف کنیم و چه مفهوم و برداشتی از آن داشته باشیم؟ ثانیاً نسبت آن را با مفاهیم دیگر کجا قرار بدهیم تا آن شاکله ذهنی و فکری که از اسلام می‌خواهیم داشته باشیم؟

سخنان مقام معظم رهبری، بسیار اساسی است و نیاز به اندیشیدن دارد و علما، پژوهشگران و کسانی که قدرت بحث و اظهار نظر و نظریه‌پردازی

دارند و قدرت تطبیق و مقایسه اندیشه‌ها و افکار اسلامی را با افکار و اندیشه‌های مشابه یا مخالفی دارند، که در مکتب‌های امروزه جهان معاصر مطرح است؛ باید این راه را ادامه دهند و به تدریج ابعاد نظام و نظریه مکتب اسلام را تشریح کنند. منظور از مکتب اسلام چه چیزی است؟ ابعاد آن چیست؟ بخش‌های آن چیست؟ در درون خودش، نسبت بخش‌هایش با یکدیگر چگونه است و با مکتب‌های دیگر چگونه است؟ این مسائل از مسائل بنیادی و اساسی است. معمولاً در مکتب‌های بشری امروز جهان، این‌گونه است که اول بخش‌های مکتبی تنظیم می‌شود، ایدئولوژی آن به وسیله متفکران و اندیشمندان تنظیم و مطرح می‌شود و بعد به تدریج گروه‌ها و جناح‌های سیاسی بر اساس ایمان به آن افکار شکل می‌گیرد؛ اگر مثلاً تاریخ پیدایش حکومت‌های چپ‌گرا، سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها را در دنیا نگاه کنیم می‌بینیم که این‌گونه است، اول یک رشته افکار اقتصادی، اجتماعی و تاریخی به‌عنوان مکتب سوسیالیسم یا مارکسیسم تنظیم شده است و به تدریج از طرف متفکران کامل‌تر شده است، بعد احزاب و گروه‌هایی بر اساس دعوت به این افکار و ادعای اینکه این اندیشه‌ها به نفع جامعه است و نه آن افکار دیگر، به وجود آمد، بعد هم یک حکومتی به شکل انقلاب و یا کودتا و یا هر شکل دیگری از این گروه‌ها و جناح‌هایی که این افکار را داشته‌اند، شکل گرفته است. سرمایه‌داری غرب هم همین‌گونه بوده است. زمانی یک سلسله افکاری مطرح شد، بعد از آن، انقلاب فرهنگی و انقلاب صنعتی رخ داد. در اروپا به تدریج یک رشته از افکار شکل گرفت،

اندیشمندان و متفکران و فلاسفه آمدند و بحث کردند و مکتب‌هایی شکل گرفت و بعد حکومت‌هایی هم براساس آن مکتب‌ها تشکیل شد. اصل آزادی را اگر به‌عنوان یک رنگ بپذیریم، رنگ آن حکومت‌ها بود که باز مسبوق به آن ایدئولوژی‌ها و متناسب با آن حکومت‌ها بود^(۱).

در نظام و انقلاب ما به این شکل نبود، به این معنا که توده مردم مسلمان بودند؛ علما و روحانیت اصیل اسلام را قبول داشتند و وارد بخش‌های نظری و تفسیری کمتر شده بودند؛ ولی چون اصل اسلام و احکام آن را قبول داشتند و به آن معتقد بودند، با رهبری شخص امام علیه السلام و با تکیه بر ایمان مردم این موفقیت حاصل شد و این انقلاب به پیروزی رسید؛ اما مسبوق به آن بحث‌های فکری و ایدئولوژیک نبود. این مباحث به تکامل لازم نرسیده بود که مثلاً آیا مفهوم آزادی در اسلام با مفهوم آزادی لیبرالیسم یکی است یا فرق دارد. یا مثلاً نبودن تبعیض طبقاتی آشکار در اسلام با آنچه که در مکتب سوسیالیسم گفته می‌شود فرق دارد یا فرق ندارد؟ چون این مباحث مشخص نبود - البته نزد اهلش مشخص بود، پیش امام و علمای روشن فکر قطعاً مشخص بود، ولی برای توده مردم و حتی محافل علمی دانشگاهی و حوزوی واقعاً روشن نبود - همین امر سبب شد که پس از انقلاب دائم اختلاف نظرها به‌وجود بیاید و مجموعه‌ای از اشخاص که در درون انقلاب بودند به تدریج فاصله بگیرند. منشأ بسیاری از اختلاف‌ها، اختلاف در برداشت از مفاهیم یا به تعبیر دیگر

۱ - سخنرانی در جلسه مسئولان اجرایی قوه قضائیه، تاریخ ۷۹/۲/۲۵

اختلاف در قرائت‌ها و برداشت‌ها از اسلام است. تا جایی که اصل اینکه در اسلام حکومت و دولت وجود دارد، به چالش کشیده می‌شود یا اصلاً انکار می‌شود؛ جدایی دین از سیاست مطرح می‌شود که دیدید مطرح شد. تا چه رسد به مسائل دقیق‌تر و تفسیری‌تر و ریزه‌کاری‌های دیگری که مربوط به ابعاد و ماهیت مفاهیم اسلامی و مکتب اسلام است.

از این‌رو ایشان روی این قسمت انگشت می‌گذارد، چون یکی از مسائل اساسی است و هنوز نیاز به تفصیل و بحث بیشتر دارد. شاه راه را ایشان باز کرد و آن‌گونه که من از صحبت‌هایشان برداشت کردم، ایشان دنبال این هستند که این مسئله روشن شود و مورد توجه قرار گیرد و ابعاد اندیشه اسلامی و مکتب اسلام به‌عنوان یک مکتب زنده که همه ابعاد وجودی انسان را دربر گرفته است، تشریح شود. اسلام به ابعاد فردی و اجتماعی انسان توجه دارد، هر کدام از ابعاد انسان در اسلام جایگاه و مبنای خودش را دارد و نسبت خودش در آن مشخص شده است؛ پوشش خاصی دارد و رنگ‌آمیزی مخصوصی شده است. همه در یک پوشش معنوی خاصی که مبتنی بر ایمان به خدا و توحید است، گرد آمده‌اند. در هر بخشی از مسائل، بحث‌های زیادی هست که اگر چه بعضی از بزرگان در کتاب‌های خود، پیش از انقلاب این بحث‌ها را مطرح کرده‌اند، ولی نیاز به تفسیر و تبیین بیشتری دارد؛ نیاز به بحث و انتقاد و نقد دارد. اگر این بحث‌ها انجام شود، خیلی از این مسائلی که امروز در فرهنگ جامعه ما متأسفانه دارد مطرح می‌شود - چه به‌عنوان انتقاد و اشکال و چه به‌عنوان اصلاح که در حقیقت

بعضی از اینها اصلاح هم نیست و همان طور که ایشان فرمودند، انحراف و التقاط است - دیگر مطرح نمی‌شود. اگر این بحث‌ها که نیاز به کار و تحقیق دارد، در این راستا درست انجام بگیرد و توضیح داده شود خیلی از این مشکلات و تنش‌های فکری و فرهنگی یا اختلاف قرائت‌هایی که امروز مطرح است حل می‌شود. البته راه‌های اصلی آن به‌وسیله بزرگان ما در قرن معاصر مانند امام - که در رأس حرکت فکری بودند - و شهید مطهری و شهید صدر و شهید بهشتی و مرحوم علامه طباطبایی در *المیزان* و افراد دیگری گشوده و پیموده شده است، و باید حرکتی که اینها شروع کرده‌اند در برداشت صحیح از اسلام ناب، تکمیل شود. آنجا مشخص می‌شود که ما همه مباحث فکری مورد نیاز خود را در چهارچوب اسلام داریم، و این است معنای مکتبی فکر کردن و مکتبی فهمیدن همه این ابعاد. آن وقت مشخص است که چرا انسان در تفکر مکتبی همواره فقط دم از اسلام می‌زند و دیگر هیچ عنوان دیگری را مطرح نمی‌کند؛ حتی می‌کوشد شعارش را هم از این طرف و آن طرف قرض نگیرد، عنوانش را هم از مکتب‌های روز نگیرد؛ چون در خود اسلام هست، شعارش و مفهومش را هم باید از خود اسلام بگیرد که بحمدالله در آن است. آن وقت انسان می‌تواند مفهوم‌سازی اسلامی کند، یکی از مسائل مهم همین است که ما حتی اسم را هم از آنها نگیریم. آزادی‌هایی که مطرح می‌کنیم، با عنوان دمکراسی مطرح نکنیم؛ چون دمکراسی یک‌بار مفهومی متنافری با مفهوم اسلامی آزادی دارد. آزادی در اسلام با آزادی در نظام دمکراسی فرق‌هایی دارد. این موضوع

که امام در مسئله رفراندوم جمهوری اسلامی، فرمودند: « فقط جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد » و از پذیرش الفاظ دیگری چون جمهوری دمکراتیک اسلامی اِبا فرمودند، به همین دلیل بود.

تفسیر حرکت انقلاب، در حال تحریف است؛ برخی چنین تفسیر می‌کنند که حرکت به این عظیمی، نتیجه یک هیجان‌زدگی توده‌ای بوده است، مردم نمی‌دانستند چه می‌خواهند، فقط می‌دانستند چه چیزی را نمی‌خواهند. این تعبیرها خیلی خطرناک است، شاید خود این افراد متوجه ابعاد خطر این قبیل تعبیرها نباشند، این‌گونه تفسیرها به تدریج به‌جایی می‌رسد که اصلاً اسلام را از صحنه مدیریت سیاسی جامعه کنار بزند. تفسیر درست و صحیح از تاریخ انقلاب خیلی مهم است.

من تعبیرات کسانی را که حرکت انقلاب اسلامی را این‌گونه تفسیر می‌کنند دیدم ، ناگاه به‌یاد تعبیر شهید صدر از انقلاب افتادم. چقدر فرق است میان تحلیل این آقایان با تحلیل شهید صدر. به یاد دارم که شب فرار شاه از کشور، ما آن وقت نجف بودیم، خدمت شهید‌صدر، درس اصول می‌رفتم. درس اصول ایشان یک ساعت بعد از مغرب بود، عصر آن روز وقتی رفتن شاه از رادیوی عراق اعلام شد، مردم شیعه نجف و کربلا و دیگر شهرستان‌ها حتی اهل سنت ، جشن و سرور عجیبی برپا کردند. ایشان هم وقتی آمدند سرِ درس، یادم است چهره ایشان تغییر کرده بود. ایشان در مسجد طوسی درس می‌گفتند، مسجد تقریباً پُر بود، ایشان اصلاً یک حالت دیگری داشت، درس نگفت، در مورد این حادثه صحبت کرد.

اولین جمله‌ای که گفت این بود: الْيَوْمَ تَحَقَّقَ حُلُومُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأئِمَّةِ، امروز آرزوی دیرینه انبیا و ائمه اطهار عليهم السلام در تاریخ متحقق شد، یعنی قرائت ایشان از این حادثه بزرگ این بود که انبیا و ائمه اطهار عليهم السلام در تاریخ دنبال حاکمیت بودند و امروز این خواسته آنها شکل گرفت، آنچه آرزوی ایشان بود امروز متحقق شد. این برداشت ایشان بود، بعد هم تفسیر جالبی از این حرکت کرد؛ ابعاد تاریخی و ریشه‌های این حرکت و نقش اسلام را در این حرکت تشریح کرد و تأسیس یک حکومت اسلامی را طلیعه حاکمیت دین خدا روی زمین خواند. این برداشت کجا و تعبیراتی که امروز از برخی شنیده می‌شود کجا؟

تفسیر این انقلاب، تفسیر این حرکت تاریخی، ارتباط این حرکت به بقیه اجزای سلسله این حرکت در تاریخ اسلام تا رساندنش به حرکت انبیا، حرکت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار عليهم السلام، خیلی مهم و اساسی است. شهید صدر یک تفسیر تاریخی از انقلاب اسلامی ارائه داد، چگونه در مکتب مارکسیسم، حرکت تاریخ بر اساس نظریه ماتریالیسم تاریخی تفسیر می‌شود؛ ما هم بر اساس مبانی اسلامی خود، خیلی خوب می‌توانیم حرکت تاریخ و وقایع تاریخی را تفسیر کنیم و بزرگان ما این کار را کرده‌اند. این تفسیرها بایستی طرح شود و توضیح داده شود و انتقادهایی که به آن وارد است، رد شود. تفسیرهای غیر واقع‌بینانه دیگران ابطال شود، نقاط ضعف و نقض آنها مشخص شود. تفسیر و تحلیل امثال شهید صدر برای یک جوان مسلمان، یک دانشجوی یا طلبه یا استاد دانشگاه مسلمان، غرور‌آفرین است.

آن وقت مشخص می‌شود که ما چه چیزهایی داریم و چگونه این چیزهایی را که داریم، درست نمی‌بینیم، بعد می‌رویم از این طرف آن طرف مفهوم و اصطلاح و واژه قرض می‌کنیم، فکر قرض می‌کنیم و آنها را به‌عنوان افکار نو و ابتکارات جدید مطرح می‌کنیم؛ همان افکاری را که خود ما سال‌های پیش رد می‌کردیم و آنها را ناقص و نادرست می‌دانستیم.

امیدواریم خداوند به همه ما توفیق دهد و بتوانیم از سخنان ارزنده رهبر معظم‌انقلاب، درس بیاموزیم و با پیمودن راه‌هایی که ایشان ارائه می‌دهند به جامعه ایده‌آل اسلامی برسیم و این بار امانت سنگین یعنی احیای دین خدا و ارزش‌های الهی بر روی زمین را که همان امانتی است که بر دوش انبیا و اولیا و ائمه‌اطهار علیهم‌السلام گذاشته شده بود، به مقصد برسانیم. امیدواریم ما هم بتوانیم در این قافله و در این مجموعه الهی نورانی، سهمی و نقشی داشته باشیم، پیرو آن‌ها باشیم؛ دست‌کم از آن‌ها محسوب شویم.

فواید تحلیل تاریخی تاثیر اندیشه اسلامی در پیروزی انقلاب اسلامی

ربط دادن پدیده انقلاب اسلامی به تاریخ پرشکوه اسلام و ایجاد درک تاریخی منسجمی از کل تاریخ اسلام، برای جوانان جاذبه دارد. یکی از عوامل رشد سریع احزاب چپ و کمونیستی در جهان - با اینکه به تجربه ثابت شد که اندیشه‌های مارکسیستی و کمونیستی موفق نبوده و نیستند - این بود که ادبیات این حزب خیلی منسجم بود، به طوری که

وقتی انسان تفسیر آنها را از تاریخ مطالعه می‌کرد؛ به یکباره می‌دید تمام تاریخ بشر به هم وصل شده است و انسان جزئی از مجموعه بزرگ یک تاریخ به هم پیوسته است. هر حرکت تاریخ در هر مقطعی تفسیر شده و مقطع فعلی هم جزئی از آن حرکت کلی تاریخ است. این دیدگاه‌های کلان و جمع کردن همه مراحل تاریخ در یک حرکت کلی و ارائه آن به‌عنوان یک نظریه، ابهتی به اندیشه‌های کمونیستی می‌داد و آن را به شکل یک ایدئولوژی پرطمطراقی مطرح می‌ساخت که بخصوص برای جوانان جاذبه داشت. جوانان با مطالعه تحلیل مارکسیستی تاریخ، احساس می‌کردند جزئی از یک تاریخ بزرگ‌اند، پشت سر آنها، مراحل و طبقات کذایی تاریخ هست و آنها اکنون جزئی از یک کل بزرگ‌اند، این احساس به آنها نیرو می‌داد.

اسلام نیز از انسان و تاریخ و حرکت تاریخ و تمدن‌های بشری تفسیر و تحلیل دارد، انبیا را در ادوار مختلف تاریخ مکمل هم می‌داند و ظهور خاتم‌انبیا به معنای پایان رسالت و نبوت الهی و ارائه جامع‌ترین و مترقی‌ترین برنامه هدایت بشر است. امروز هم انقلاب اسلامی به برکت اندیشه‌های ژرف امام و بزرگانی چون شهید مطهری و شهید صدر تحلیل کامل و جامع خود را دارد و براساس تفسیر الهی تاریخ، این انقلاب با تاریخ انبیا پیوند خورده است. این‌گونه تحلیل‌ها و آموزش‌ها، بسیار مفید است، جوان امروز جایگاه خود و انقلاب و جامعه خود را در تاریخ می‌یابد و آگاه خواهد شد که این حرکت در چه مقطعی از تاریخ شکل گرفته و

از کجا نشأت گرفته، چه پیوندی با گذشته دارد، در این مسیر تاریخی، انبیا و پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام چه نقشی داشته‌اند، برای مقطع آینده چه پیش‌بینی می‌شود و چشم‌انداز آینده این انقلاب چه خواهد بود. اگر در یک تحلیل کلان تاریخی وضع فعلی ما با تاریخ پیوند بخورد، برای اسلام‌خواهی در دل جوان انگیزه ایجاد می‌شود؛ چون اسلام خواسته‌های فطری او را اشباع می‌کند، به او امید و ارزش می‌دهد؛ او و جامعه‌اش راه موجودی معنادار و هدف‌دار معرفی می‌کند. این برای جوان خیلی جاذبه دارد و موجب ایمان و آمادگی او برای هرگونه تلاش و حرکت و خدمت در جامعه می‌شود.

اسلام براساس همین مفاهیم توانست جامعه جاهلی عرب‌هایی را که از عقب افتاده‌ترین جوامع بودند، با آن سرعت و در مدت کوتاهی، متحول کند. آنچه آنها را متحول کرد این بود که تعالیم اسلام یک باره آنها را بیدار کرد که چه هستند و چه نقشی دارند و به کجا مربوط می‌شوند و چه آینده‌ای دارند و چه تاریخی را باید بسازند.

ضرورت اهتمام به رفع نیازهای فکری جدید

علوم جدید از فرهنگ و مکتبی خارج از مکتب اسلام به جهان اسلام تزریق شده است. رشته‌های علوم انسانی هم به تدریج جای خود را در دانشگاه‌ها و دارالفنون‌های ممالک اسلامی باز کرد. این رشته‌ها که نوعی سنخیت با علوم متداول در حوزه‌ها داشت کم‌کم غلبه پیدا کرد و مسائل

کلان اجتماعی بر اساس داده‌های این رشته‌های علمی شکل گرفت و شکل می‌گیرد و به تدریج علوم اسلامی که در حوزه‌ها تدریس می‌شود در بعد اجتماعی و سیاسی پس‌زده شد. بعد از سقوط حکومت عثمانی، مدیران جامعه و کسانی که امور کلان اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را در دست داشتند بر اساس علوم جدید، جامعه را مدیریت می‌کردند. دانشجویان نیز در نظام آموزشی وارداتی به تحصیل می‌پرداختند.

البته این فرایند در همه جوامع اسلامی به یک شکل نبود، هر جا علمای فرهیخته ما نفوذ بیشتری داشتند، در برابر اندیشه‌های وارداتی مقاومت بیشتری انجام می‌گرفت. علمای حوزه با مطالعه دانش‌های جدید، در مقام نقد و بررسی آنها برآمدند و نظرهای بهتر و برتری مبتنی بر فرهنگ و مبانی اسلام ارائه دادند و مسائل جدیدی را در رشته‌هایی مثل اقتصاد و فلسفه و جامعه‌شناسی مطرح کردند که مورد توجه قرار گرفت و به محافل علمی و دانشگاه‌های کشورهای غیر اسلامی یا کشورهای اسلامی که حاکمیت اسلامی ندارند، راه یافت. جهان اسلام از نظر علمی جهان عقب افتاده‌ای نبود که در مقابل اندیشه‌های جدید چیزی نداشته باشد. علوم اسلامی گرچه سبک و شکل قدیمی بود، ولی محتوا داشت. در قرن اخیر علمای بزرگی مانند شهید صدر، شهید مطهری، مرحوم علامه طباطبایی و دیگران در این زمینه بسیار اثرگذار بودند.

آنچه انتظار می‌رود این است که در این رشته‌هایی که مشترک بین حوزه و دانشگاه است و مبنای مدیریت جامعه قرار می‌گیرد، با تکیه

بر دستگاه علمی و تخصصی غنی و عمیق خود، تولید اندیشه کنیم^(۱). البته صنعت و فن آوری علمی، بُعد دیگری است که لااقتضاست و در هر مدیریتی و مکتبی و هر اخلاقی قابل استفاده است و در حقیقت ابزار است، برخلاف علوم انسانی که می‌خواهد انسان و ارزش‌های انسانی و جامعه انسانی و روابط حقوقی و اقتصادی را تعریف کند. اینها مسائلی است که در مدیریت و جهت‌دهی جامعه اثر مستقیم دارد، در حقیقت، جوامع انسانی بر اساس آموزه‌های این علوم، اداره می‌شود. همه این دانش‌ها در اسلام مبنا دارد، مبانی علم حقوق، فلسفه، کلام، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، در علوم اسلامی وجود دارد، منتهی در قالب قدیمی مطرح شده است.

در اواخر حکومت عثمانی، محتوای فقه حنفی را که مذهب حکومت عثمانی بود، با عنوان *مجله الاحکام العدلیه* در قالب حقوقی جدید به صورت ماده ماده تنظیم کردند، در ایران هم پس از مشروطه قانون مدنی بر اساس فقه شیعه و در قالب حقوقی تنظیم شد، ولی این حرکت‌ها محدود بود و نیاز به تکمیل داشت.

به‌طور کلی هدف آن است که ما در فرهنگ و علوم انسانی که از غرب وارد شده، مصادره نشویم. چنان‌که ابتدای کار مصادره شده بودیم، وقتی کسی تعبیر اقتصاد اسلامی را به کار می‌برد، یک موضوع نامفهومی بود، می‌گفتند یعنی چه؟ اقتصاد همین است که کینز و مالتوس و غیره گفتند. در

۱ - سخنرانی در مدرسه عالی شهید مطهری، تاریخ ۷/۱۲/۷۹۹

علوم دیگر هم همین طور، در مسائل علوم سیاسی به حساب اینکه سیاست در دین نیست، نظرهای مونتسکیو و ژان ژاک روسو و این ها مطرح بود. این قبیل مؤسسه‌ها باید سعی کنند این خلأ را پر کنند، چون محتوایی که در حوزه‌هاست، اگر درست استخراج شود تمام این ها را نه فقط پاسخ می‌دهد، بلکه افکار برتری هم دارد و می‌تواند الگوی بالاتری را ارائه دهد.

استفاده از اندیشه اسلامی برای پاسخگویی به نیازهای روز

احیای اسلامی و برگشت به اسلام آغاز شده است با این ادعا که اسلام پاسخگوی همه نیازهای بشر است و قدرت مدیریت جامعه را دارد. پس استفاده از منابع دینی برای پاسخگویی به نیازهای روز، چه در مسایل فلسفی، کلامی، اجتماعی و چه در مسایل حقوقی، یک نیاز عمومی جهان اسلام است. در این خصوص دو مسئله خیلی مهم است که باید به آن توجه شود. یکی روش آموزش و دیگری محتوای آموزش است. در هر دو عرصه بر اساس نیازهای امروز باید تحول ایجاد شود. روش‌هایی که در مدارس و حوزه‌ها داشتیم و نیز متونی که تدریس می‌شود و سابقاً تدریس می‌شد، امتیازهایی دارد، ولی نواقصی هم دارد. این نواقص از آن روست که حوزه‌های ما با روش‌های علمی جدید مطرح شده در دنیا چندان درگیر نبوده است. مثلاً یکی از این روش‌ها دایره‌المعارف‌نویسی و تقسیم موضوعات بر اساس واژه‌ها و مدخل‌های حروف الفباست، این روشی است که امروزه در اکثر علوم جا افتاده و دسترسی به محتوای این علوم را برای

مراجعه‌کنندگان بسیار آسان و ساده می‌کند. همه مباحث پراکنده مربوط به یک موضوع را که در ابواب مختلف از آن بحث شده، تحت یک عنوان گردآوری کرده و در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد.

این در بحث تدوین و عرضه و ارائه کردن است. در عرصه‌های دیگر نیز روش‌های سودمندی ایجاد شده است، از جمله روش مقارنه و مقایسه بین مکاتب مختلف علمی. مثلاً فقه تطبیقی یا اصول مقارنه‌ای نوشتن، روشی بسیار مفید است. این مقایسه و تطبیق خیلی جاها باعث پربار شدن نظریه فقهی یا اصولی ما می‌شود، از مطرح کردن آرای دیگران و بررسی ادله و استدلال‌های آنها استفاده می‌کنیم. این تأثیرپذیری، مثبت است، خود این محقق صاحب نظر است و این طور نیست که ناخودآگاه تحت تأثیر قرار گیرد، تأمل می‌کند هر چه را درست می‌بیند قبول می‌کند و خود این آن بحث را پربارتر می‌کند. فایده دوم بحث تطبیقی این است که انسان را بر مکتب‌های گوناگون مطلع می‌کند و حد و وزن این مکتب‌ها و نظریه‌ها را آشکار می‌سازد. باید از این قبیل روش‌ها در نشر علوم و آموزش علوم و تحقیقات استفاده شود.

لزوم تسلط اندیشه قوی اسلامی بر اندیشه های غیر اسلامی

ما در جهان در سطح مجالس علمی و قانونگذاری و تصمیم‌گیری بین‌المللی حرف‌های گفتنی داریم. بسیاری از موضع‌گیری‌های محافل علمی متأثر از این بحث‌هاست. باید دیدگاه قوی اسلامی بر این بحث‌هایی

که در مجالس علمی و بین‌المللی انجام می‌گیرد، مسلط شود؛ چون معتقدیم که اسلام مبانی علمی و فکری نیرومندی دارد و هر کس در اسلام کار کند مطمئناً از نظر علمی مسلط خواهد شد^(۱)

لزوم مبارزه و مجاهدت علمی در پاسداری از اندیشه های اسلامی

آخبار و علما که امتداد ربانیون و ائمه معصومین علیهم‌السلام و انبیا هستند باید بتوانند شریعت و نور هدایت الهی را احیا کرده و هم خودشان عمل کنند و هم تلاش و مبارزه کنند که آن را در جامعه عملی سازند. در این راه مبارزه و مجاهدت کنند و از هیچ چیز نترسند و فقط در پی آن باشند که شریعت الهی را احیا کنند. دنبال رضای خدا باشند، و همه از دست دادن مقام و جاه و مال و جان را نداشته باشند و واقعاً شاهد باشند. شاهد و شهید بودن انبیا هم به همین معناست، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تنها نظریه و معارفی را نیاورده، که سعادت بشر را دربردارد، بلکه مجاهدت کرد که این نظریه و معرفت اجرا و عمل شود. اینجاست که اهمیت حرکت‌های جهادی و مبارزاتی و اینکه انسان از همه چیز بگذرد و آمادگی داشته باشد برای اینکه در این راه شاهد و شهید - به هر دو معنای آن - باشد، روشن می‌شود.

این جنبه عملی، یعنی شاهد بر کتاب خدا بودن هم بعد از پیروزی انقلاب واقعاً دامنه و گستره خیلی وسیعی یافته و با گذشته فرق می‌کند.

۱ - دیدار با کانون حقوقدانان مسلمان، تاریخ ۷۹/۱/۳۰

اهمیت نقش تشکله‌ها در معرفی مفاهیم و اندیشه‌های اسلامی

مبانی، اصول، مفاهیم کلی و ارزش‌های اسلام متکی به وحی و قرآن است و قرآن هم دریایی است پایان‌ناپذیر. معارف قرآنی به حدی غنی است که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف می‌توان از آن بهره گرفت. آثار علمای بزرگ تاریخ شکوهمند اسلام - از زمان غیبت صغری تاکنون - در حکم منابعی هستند که ظرفیت‌های وسیع و عمیق دین ما را در هر عصر و مکانی به نمایش می‌گذارند. این منابع همیشه حرف تازه دارند و با تأکید بر قدرت ابتکار و نوآوری خود می‌توانند با هر موضوع ماتریالیستی برخورد کنند.

کسانی که هم سن و سال ما هستند، شاهد برخورد اندیشه اسلامی با افکار مارکسیستی و ماتریالیستی آن زمان در سطح کلان یعنی در جامعه فرهنگی به‌خصوص در دانشگاه و حوزه بوده‌اند. متأسفانه نهادهای مدنی و اجتماعی از منابع فقهی استخراج و عرضه نشده است. منظور ما از نهادهای مدنی جامعه اسلامی که بتواند ارزش‌های انسانی، اسلامی و فرهنگ معنوی جامعه را ارتقا دهد و فضای مطبوع انسانی و آرامش‌بخش ایجاد کند، نهادهایی است که با الهام از متن منابع دینی و تجربه‌های تاریخی اسلام؛ با استفاده از تجربه‌های اجتماعی، مدیریتی و نظام‌سازی روز، ایجاد و تأسیس شود. تحقق عدالت اجتماعی اسلامی منوط به تشکیل نهادهای مدنی مبتنی بر تعالیم اسلام است.

تشکل‌ها در این باره باید دقت عمل به خرج دهند و مفاهیم و اندیشه‌های اسلامی را به گونه‌ای معرفی کنند که علاوه بر نو بودن، اصالت هم داشته باشند. از حرف‌های بی‌معنا، بی‌دلیل، التقاطی و متأثر از فرهنگ‌های غیر خودی باید اجتناب کرد، این مسأله بسیار مهم است. حرف‌ها باید مستند و مبتنی بر عقاید صاحب نظرانی باشد که فضل و دانش و فقاقت لازم و شرایط نوآوری را دارند. جریان نوآوری باید پاسخگوی همه نیازهای معنوی و مادی شخص باشد و تمام ابعاد وجودی او را در برگیرد، به خصوص که این شخص یک دانشجو باشد. این‌جاست که تفاوت شیوه تربیتی انبیای الهی و ائمه اطهار با فلاسفه آشکار می‌شود. فیلسوف‌ها صرفاً در بُعد نظری و فلسفی کار می‌کنند و به جنبه‌های دیگر وجود انسان کاری ندارند، حرف‌هایشان خشک و قالبی است و طالب چندان‌ی در سطح جامعه ندارد. اما انبیای الهی، علاوه بر این‌که رسالت‌شان انتقال پیام دینی به جامعه است و بر دل‌های مردم حکومت می‌کنند، به مسایل انسانی دیگر نیز می‌پردازند. دین هرگز یک نظریه خشک و فلسفی نیست و همواره چهره پویا، انعطاف‌پذیر و کارآمد خود را در برخورد با ابعاد مختلف وجود انسان به نمایش می‌گذارد. به همین دلیل، اکثریت این جمعیت شش میلیاردی گرایش‌های دینی دارند، یا مسیحی هستند یا یهودی یا زرتشتی. این جنبه کمی قضیه است؛ پیروان انبیا عاشقان رهبران الهی خود هستند و جان نثار راه آنان می‌کنند. ما شاید یک فیلسوف هم نداشته باشیم که بتواند این گونه شاگردان خویش را تحت تأثیر قرار دهد.

قصه معروفی هست که البته نمی‌دانم قصه است یا واقعیت^(۱). در نیمه شبی سرد، بوعلی از یکی از شاگردانش خواسته بود برایش از بیرون آب بیاورد. شاگرد گفت در این هوای سرد نمی‌تواند بیرون برود و استاد باید تا فردا صبر کند. اما صبحدم که صدای اذان و الله اکبر شنیده شد، این آقا با وجود هوای سرد از خانه بیرون رفت، آب برای وضو پیدا کرد و نماز خواند. همان جا بوعلی سینا به او می‌گوید: چرا به خاطر پیامبری که چند صد سال پیش اسلام آورده و شما را دعوت به مسلمانی کرده است، حاضر شدی در هوای سرد بیرون بروی، اما به خواست من ترتیب اثر ندادی؟ شما خود فرق تأثیر انبیا و فلاسفه را بر بشر ملاحظه نفرمایید! دلیل آن روشن است. انبیا دین را برای بشر به ارمغان می‌آورند که بنا به ماهیت خود همه وجود انسان را در بر می‌گیرد. مربیان یک تشکل دانشجویی نیز باید روش انبیا و بزرگان دینی را الگو قرار دهند و به عواطف، احساسات، دردها و رنج‌ها، مشکلات زندگی و کلاً همه مسایل مادی و معنوی دانشجوی در شیوه تربیتی خود توجه کنند، به طوری که عشق و علاقه به اسلام و مفاهیم و معارف اسلامی را به معنای واقعی در او برانگیزند. این همه دلبستگی به امام علیه السلام به جهت نظرهای پویا و روش تربیتی خاص ایشان است. علمایی که نظرهای دقیق علمی و فلسفی داشته باشند، کم نیستند؛ اما آن قدر مرید ندارند که امام علیه السلام داشت. امام بزرگوار خدمتگذار راستین جامعه بودند و تا ابد در دل و جان ملت ما جای خواهند داشت.

۱ - دیدار با فرماندهان و دانشجویان بسیجی، تاریخ ۷۸/۷/۴

اندیشه اسلامی و آینده بشر

از مباحث مهم در زمینه اندیشه اسلامی، بحث آینده بشر و آخر زمان است. این مسئله در ادیان دیگر هم به‌عنوان یک اصل مطرح شده است و اقامه عدل و قسط و پر شدن جهان از عدل و قسط، از وعده‌های الهی در همه ادیان است. در قرآن هم آیاتی در مورد این مسئله آمده و در روایاتها نیز آیات بسیاری هم به همین معنا تفسیر شده است. اصل اینکه در اسلام «مهدی» هست و این شخص از نسل پیغمبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام است، از مسلمات عامه و خاصه است. اختلاف بعضی از اهل سنت با ما عمدتاً در این است که به عقیده آنها این فرد در آینده متولد خواهد شد و به عقیده ما، این فرد متولد شده است و در پس پرده غیبت مستتر است. بعضی از اهل سنت هم این را قبول دارند و در این مورد با شیعه هم عقیده‌اند.

این بحث‌ها چه در بخش علمی و تخصصی و چه در بخش کاربردی و ترتیبی، در شکل‌دهی زندگی جامعه اسلامی ما مؤثر است. در طرح این مباحث باید به دو نکته توجه داشت^(۱):

بحث با روش علمی و پرهیز از خرافه‌سازی

سعی شود در طرح مقوله مهدویت و لوازم و جوانب آن، بحث‌ها صبغه علمی و منطقی خود را داشته باشد. ما معتقدیم که میراث علمی و فقهی و

۱ - دیدار با ستاد مرکزی سومین اجلاس بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی(عج)، تاریخ ۷۹/۸/۱۵

کلامی و حدیثی و فرهنگی مذهب ما بسیار غنی است و به هیچ وجه نیازی به استدلال‌های ضعیف و گراف‌گویی‌ها و خرافه‌سازی‌ها نداریم.

اگر نقش و آثار اجتماعی ولایت را به خوبی مطرح کنیم، این بحث، مدرن و امروزی خواهد شد و از حالت *اِنْ قُلْتُ و قُلْتُ* های کلامی قدیم بیرون می‌آید و چهره کلام جدید به خود می‌گیرد و می‌تواند بسیار مؤثر باشد. دفع شبهات باید متین، علمی، منطقی، مستحکم، مستدل و مستند و برخاسته از روح فرهنگ اسلامی و آیات قرآنی و احادیث اهل بیت باشد. تحلیل تاریخی از نقش واحد سلسله انبیا و ائمه *علیهم‌السلام* در تاریخ و پیوند تاریخی و منطقی آن با عصر امام زمان نیاز به نظریه‌پردازی منطقی و کلامی دارد. ارائه چنین تحلیلی، این بحث‌ها را هم جذاب و هم منطقی و مدرن و مقبول می‌کند که در محافل علمی جهان قابل طرح باشد. این البته کار بسیار سختی است، کار آسانی نیست. بعضی کتاب‌هایی که درباره امام زمان می‌خوانیم نه تنها هیچ‌گونه کشش و جاذبه‌ای، بخصوص برای نسل جوان ندارد؛ بلکه نقاط ضعفی هم دارد. عرضه این گونه کتاب‌ها به نظر من نادرست است.

مسئله غیبت و آفت شیادان

مسئله امامت و ولایت که اصل و رکن مذهب ما و هویت و انقلاب و نظام و حاکمیت سیاسی ما را تشکیل می‌دهد، گاه - به‌ویژه در وضع فعلی که ولایت اقدس در پرده غیبت است و امام غایب از انظار است - دچار

نوعی آفت می‌شود. این آفت آن است که اعتقاد مردم به عالم غیب واصل غیبت، دستاویز و زمینه‌ای برای سوءاستفاده و مردم فریبی کسانی شده است. اصل ایمان به امامت در پس پرده غیب مثل ایمان به کل غیب، یکی از امتیازهای مذهب ماست، اسلام اصل ایمان به غیب را سنگ بنای تدین قرار داده است؛ ایمان به خدا، ایمان به وحی، ایمان به معاد، ایمان به رسالت و نبوت و امامت و غیبت امام همه از مصادیق ایمان به غیب است. این اعتقاد مردم گاهی مایه سوءاستفاده افراد شیادی می‌شود. در روایات هم به این نکته اشاره شده که کسانی در عصر غیبت ادعا می‌کنند با امام ارتباط دارند، ولی دروغگو و مفتری هستند. این آفت بسیاری از اوقات به مسائلی منجر می‌شود که از نظر اجتماعی بسیار ناصحیح و خسارت بار است. چهره بیرونی مذهب را مشوه نشان می‌دهد و یک رشته افکار باطل و خرافی و خلاف سیره و هر مذهب و اصول اسلام را مطرح می‌کند و مرید و مراد بازی‌هایی به راه می‌افتد. فتنه‌هایی مثل بایبه با همین گونه ادعاها آغاز شد، ابتدا ادعا می‌کردند که باب امام زمان هستند؛ سپس کم‌کم بر ادعاهای خود افزودند و فتنه‌ای ایجاد کردند که هنوز هم دامن‌گیر جامعه اسلامی است.

این مسائل متأسفانه به شکل‌های گوناگون و با انگیزه‌های متفاوت بروز می‌کند و گاه منجر به حوادث ناگوار می‌شود. این مدعیان دروغین از جوانب مختلفی تحریک می‌شوند، خیلی وقت‌ها ممکن است این گونه ادعاها با تحریک دشمنان اسلام یا دشمنان مذهب مثل وهابی‌ها و به قصد خرافی

جلوه‌دادن مذهب ما انجام شود. برخی از روحانی نمایان منحرف نیز با ترغیب مدعیان، وارد این میدان شده و سوء استفاده می‌کنند. لازم است نظام و جامعه ما در مورد این آفت خیلی حساسیت نشان داده و به‌شدت و به هر قیمتی جلوی آن را بگیرند. با استناد به روایاتی که از خود معصومین نقل شده، باید کسی را که در زمان غیبت ادعای رؤیت و مشاهده امام کند، تکذیب کرد. برخورد با مدعیان دروغین مشاهده و ارتباط با امام زمان علیه السلام باید بسیار دقیق و حساب شده انجام گیرد و در عین حال که اصل مبنا و رکن اساسی مکتب یعنی امامت را به صورت برهانی و عقلانی تثبیت می‌کنیم، این‌گونه مسائل را هم از بین برده و خرافه‌زدایی کنیم. یکی از ترفندهای دشمن این است که جهان اسلام را متهم به خرافی بودن می‌کند.

تجربه‌های بشری و نظام‌های ساخته ذهن بشر

تجربه‌های بشری و نظام‌های ساخته ذهن بشر، امروز تقریباً می‌شود گفت که به بن‌بست رسیده است. امروز انسان‌های با فضیلت و دانش، تشنه مکتبی هستند که آن‌ها را از این تجارب بشری ناموفق نجات بدهد. شاید در هیچ تاریخی، جهان مثل امروز، آمادگی پذیرش معنویت و ادیان الهی را نداشته است. امروز حتی سیاستمداران و نظام‌های مادی دنیا هم سعی می‌کنند از پوشش‌های دینی و اخلاقی و معنوی استفاده کنند. برای تظاهر و فریب ملت‌ها هم که شده است، مجبورند این کار را بکنند. با این آمادگی بسیار خوب که در بشر امروز ایجاد شده است، وظیفه روحانیون

و علمای ادیان ابراهیمی خیلی سنگین می‌شود که از این فرصت استفاده کنند و آن را از دست ندهند^(۱).

نیاز به تجدید نظر و نوآوری در اندیشه اسلامی

ما در محتوا هم نیاز به تجدید و نوآوری داریم، مخصوصاً در ابوابی که مربوط به بخش‌های کلان جامعه است، در فقه شیعه چون به دور از حکومت بوده، غالباً بیشترین توجه فقهای بزرگوار ما به مسایل فقهی مربوط به آحاد مکلفین بوده و این ابواب را بیشتر تحقیق کردند و توسعه بخشیدند.

در بحث دایره‌المعارف‌نویسی، یک دایره‌المعارف فقه مذاهب اربعه را چهل سال پیش در کویت شروع کردند که تقریباً به آخر رسیده و حدود پنجاه جلد شده است. ما کتاب‌های فقهی اهل سنت را هم خوانده‌ایم، ولی این کتاب از زمین تا آسمان با آن‌ها فاصله دارد. آن‌ها با این کار، فقه مذاهب اربعه هزار سال پیش را که باب اجتهاد هم در آن مسدود است، زنده کردند. جلد‌های اول و دوم این دایره‌المعارف در سال‌های اول انقلاب چاپ شد، وقتی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) آن را دیدند احساس کردند که این خلاء در فقه ما هست و ایده تدوین دایره‌المعارف فقهی اهل بیت بعد از دیدن این کتاب ایجاد شد و ایشان دستور دادند که مشابه این کار در فقه شیعه انجام بگیرد.

۱ - دیدار با علمای دینی آمریکا و امام جمعه نیویورک، تاریخ ۸۲/۳/۲۶

اگر ذهن خلاق و عمیقی مانند شیخ انصاری که واقعاً نقطه عطفی در تاریخ فقه شیعه است، به همان عمق و دقتی که مسایل مربوط به بیع معاملات و عقود را تحقیق کردند، به ابواب مربوط به حکومت و جامعه می پرداختند، آن ابواب نیز توسعه پیدا می کرد.

در کتاب الحدود متون فقهی، نه کلیاتش از جزئیاتش جدا شده، نه معنای جرم و جزا و مسئولیت کیفری و مدنی از هم جدا شده است. بسیاری از شرایط عمومی حدود در ذیل حد زنا که نخستین حد است ذکر شده است، از این رو برخی اند اینها شرایط اختصاصی حد زناست، باید کلیات سیاست‌های کیفری و جنایی در یک جا مستقلاً مطرح می شد. خود مبنای تقسیم‌بندی حد و تعزیر و قصاص، درست روشن نشده است. علتش همان است که عرض کردم که این مباحث محل ابتلا نبوده، لذا در متون فقهی چندان به آنها پرداخته نشده و بیشتر به مسایل عبادی یا معاملات که مورد ابتلای مردم بوده، پرداخته شده است.

مسایل حقوق اساسی و چالش‌های حقوقی میان غرب و اسلام از دیگر مسایل بسیار مهمی است که باید با استفاده از منابع فقهی غنی اسلام، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. همواره نیازهای جامعه، سبب تحول و تکامل فقه بوده است، شیخ طوسی کتاب مبسوط را در پی احساس خلاء فقه تفریعی در فقه شیعه، تألیف کرد. یا مثلاً تقسیم‌بندی که محقق حلی از ابواب فقه کرد و تقسیم چهارگانه «عبادات، معاملات، احکام، عقود» بر همین اساس بوده است. اینها به تدریج و با تأثر از نیازمندی‌های جامعه

صورت گرفته است، بعد مبانی و ادله آن را بیان کرده‌اند.

حال نیز با توجه به نیازهای زمان باید همین کار در ابواب و موضوعات جدید انجام گیرد. ما باید در محتوا هم با طرح نظریات جدید تحول ایجاد کنیم. ما در این قسمت خیلی کمبود داریم. خیلی از این نظام‌هایی که دارید در کشور اجرا می‌کنید، چه نظام اقتصادی، چه نظام قضایی، برگرفته از غرب است. این طوری نیست که ما نظام اقتصادی اسلامی کامل را نظریه‌پردازی کرده باشیم و بر اساس آن قانون وضع کرده باشیم. در نظام قضایی هم این کار را نکرده‌ایم. تحقیق نکردیم که در نوشتن قانون مجازات اسلامی چه چیز را باید بیاوریم، چگونه بیاوریم، چه ساختار و نظمی را باید به آن بدهیم، چه سیستمی را قبول کنیم و چه سیستمی را قبول نکنیم. اساساً این سیاست‌های کلی جزایی و کیفری که مهم‌تر از مواد قانون است، بحث نشده است. در نظام مدیریت نیز همین خلاءها را داریم. این‌ها مسائلی است که در آن‌ها بحث نشده و مورد نیاز شدید جامعه ما و حکومت اسلامی است.

در آن زمان، علمای اسلام مخصوصاً ائمه، تلاش می‌کردند بر کل فرهنگ و دانش زمان خود مسلط باشند، در هر زمینه‌ای، تفسیر، درایه، علم کلام، اصول فقه و ... کتاب دارند. آن‌ها، به‌خصوص علمای شیعه، سعی داشتند که از مسیر دانش و فرهنگ و اندیشه‌های نو و جدیدی که در دنیا مطرح شده عقب نمانند و مسلط بر نوآوری‌های مکاتب دیگر باشند تا بتوانند حقایق مذهب خودشان را ثابت کنند. ولی متأسفانه این مسأله

امروزه بین دانش‌آموزان مدارس و دانشجویان دانشگاه‌ها، حتی طلاب حوزه‌ها، مسأله‌ای مهجور و مجهول است.

ما در تاریخ اسلام شخصیت‌هایی مانند شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی داشتیم که اینها مهم‌ترین کرسی‌های تدریس را در بغداد داشتند. شیخ مفید، اصلاً مفید لقب ایشان نبود، این لقب را سنی‌ها به او دادند، شیخ المفید یعنی کسی که مفید است. او شاگردانی همچون سیدرضی و سید مرتضی داشت که جلال حکومتی پیدا کردند.

ولی متأسفانه مذاهب متعصب دیگر در آن زمان، این را تحمل نکردند و در زمان شیخ طوسی، جاهلان با انتقال ایشان به نجف، خانه وی را آتش زدند کتابخانه ایشان که تمام مسایل روایی را دربرمی‌گرفت از بین رفت. اما ایشان با داشتن حافظه قوی و نبوغ استعداد توانست تألیفاتش را جمع‌آوری کند. شیخ طوسی دو کتاب *(استبصار)* و *(تهذیب)* را از مجموعه چهارصد رساله جمع‌آوری کرد، که هر رساله در حقیقت کتاب یکی از راویان بوده است.

سرچشمه بیشترین منابع علمای عصر سوم به شیخ طوسی می‌رسد. به هر حال آنچه که مهم است، این است که این افراد چون واقعاً اسلام‌شناس و معتقد به اسلام و مرجعیت آن بودند؛ سعی داشتند که برتری اسلام ناب را ثابت کنند و همین کار را هم کردند. اما متأسفانه هم‌اکنون به این مسأله یا توجه نشده یا کم توجه شده است که این دیگر رسالت حوزه و دانشگاه است.

بنده حدود چهل سال پیش کتابی خواندم با نام *(العلم يدعو بالایمان)* یعنی علم دعوت به ایمان می‌کند، که به زبان عربی ترجمه شده بود و نویسنده‌اش آلمانی بود یا فرانسوی، دقیقاً نمی‌دانم. در این کتاب از حدود چهل و یک دانشمند، از هر کدام یک مقاله در زمینه دانش تخصصی‌اش درباره شگفتی‌هایی که از نظر آن رشته علمی در آثار و مخلوقات عالم وجود دارد، آورده بوده و هر یک از آن دانشمندان متعاقباً معتقد به خدا شده و ایمان آورده بودند. خلاصه اگر قرار باشد چند واحد فیزیک را استادی که معتقد به خدا نبوده در این دانشگاه تدریس کند، دیگر پسوند اسلامی آن معنا ندارد و این یک موضوع مهم است. در رشته‌های علوم انسانی مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی، فلسفه، تاریخ و... که اسلام در آن زمینه‌ها نظرهای تفصیلی دارد، کار سخت‌تر می‌شود. در این علوم بایستی از اساتید، صاحب‌نظران اندیشه و افکار اسلامی قوی و مقتدر استفاده شود، باید از دیدگاه‌های اسلامی اشخاص محقق دارای قدرت تحقیق و ابزار تحقیق و دارای سابقه و صلاحیت علمی برای تحقیق کمک گرفته شود، همان کاری که علمای قدیم ما کردند و همیشه به روز بودند و از چیزی عقب نبودند. بنابراین مسایلی که در خود اسلام وجود دارد و جزء اعتقادات یک دانشجوی مسلمان بوده و جهان‌بینی وی را مشخص می‌کند، این طور نباشد که به او گفته شود اسلام مانند مسیحیت با این چیزها کار ندارد و به عنوان مثال برو از نظریه اقتصاد تعادلی کینز کمک بگیر.

ما خودمان علما و فضایی داریم که از این نظر صاحب نظر هستند و حرف برای گفتن دارند مانند شهید مطهری، شهید صدر و شهید بهشتی و مرحوم علامه طباطبایی. آثار این بزرگان باید به وسیله شاگردان آنها و دیگر محققان دسته‌بندی و تدوین شود. خیلی از آثار مربوط به چهل یا پنجاه سال پیش است، عمر برخی از آنها به یکصد سال می‌رسد، از آنجا که اصول و منابع آنها اسلام است، تنها نیاز به قرائت‌های جدیدتر دارند.

فرد دیگری به نام آقای عبدالله دراز که الجزایری یا تونسی است و در اروپا زندگی می‌کرده و هم‌اکنون فوت کرده است، ایشان اکثر عمرش را در فرانسه گذرانده و کتاب‌هایش به زبان فرانسوی است که به عربی ترجمه شده‌اند؛ و بهترین کتاب‌ها در مسایل مختلف اسلامی است. این‌ها ترجمه نشده‌اند و کار دانشگاه‌هاست.

حوزه هم باید این کار را بکند، چون حوزه فاقد مدیریت متمرکز است این کار را نکرد؛ ولی شما که بحمدالله مدیریت متمرکز، بودجه و امکانات دیگری هم دارید. کتاب‌ها و آثار این برگزیدگان باید ترجمه شود و در اختیار فرهیختگان و اساتید و افرادی که عاشق علم و دانش هستند، قرار داده شود. در این کتاب‌ها تمام مسایل جدیدی که امروز در روزنامه‌ها نوشته می‌شود مطرح شده است، چون این‌ها در دل اروپا زندگی کردند مسایل را به خوبی نقد کردند، نواقص آن‌ها را گفتند؛ کاستی‌هایش را گوشزد کردند، نقدشان نقد علمی است؛ بحث شعاری و سطحی نیست.

تعلیم و تربیت علمی در اسلام، اساس کار است و اسلام روی آن نظر دارد، وقتی آن شکل بگیرد؛ غیراسلام خود به خود منتفی و محکوم خواهد شد. این ها به پویایی و نوآوری و تحرک اندیشه اسلامی کمک می‌کند، در غیر این صورت ما فقط کمک کردیم که فردی مدرک بگیرد و در جایی مثل قوه قضائیه و دادگستری مشغول کار شود و پایه حقوقی‌اش تغییر کند.

برای نمونه در اسلام بر تشکیل خانواده و مسایل کسب و کار تأکید شده که اینها یک مدیریت خاص می‌خواهد. شکل ساده‌اش را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جامعه پیاده کرد، حال که ما حکومت اسلامی داریم شکل مدرنش را پیاده می‌کنیم، این ها بحث می‌خواهد؛ تحقیق لازم دارد که باز به عهده شماست. بشود روزی را شاهد باشیم که شکل و شمایل دانشگاه ها فرق کند، تشویق به ازدواج بکنند، کمک کنند که موانع ازدواج که مهم‌ترین آن ها اشتغال است از جلوی پای جوانان برداشته شود تا ان شاءالله جوانان ما بتوانند ازدواج‌های به موقع داشته باشند؛ در این صورت بسیاری از مشکلات خانوادگی حل خواهد شد. یک نمونه از مشکلاتی که در خود رسانه‌های غربی مطرح می‌شود این است که هفتاد درصد زن و شوهرهای اروپایی در دو شهر جدا از هم زندگی می‌کنند، می‌بینیم خودشان به بدی‌هایی که دارند اعتراف می‌کنند و از وضع‌شان ناراضی هستند. در این جا واقعاً اسلامی شدن معنا دارد و از وظایف مهم دانشگاه‌ها است.

دو شرط اساسی برای تولید اندیشه‌های نو در حوزه

تولید اندیشه نو، هدف و مقصد بسیار مهمی است و دستیابی به آن، دو شرط اساسی دارد: یکی اینکه استواری و اصالت علوم حوزه حفظ شود و با اقتدار ادامه یابد. دوم اینکه بر مسائل روز یعنی دانش‌های جدید اشراف داشته باشید. البته انسان نمی‌تواند بر همه این علوم اشراف پیدا کند، هر گروهی باید در رشته‌ای تخصص داشته باشد. مثلاً گروهی در رشته حقوق تخصص پیدا کنند، آن وقت مایه‌های علمی را که از حوزه به دست آورده اینجا به کار گیرند.

برخی از فضایی جهان اسلام در نیم قرن اخیر سعی کردند حقوق جزای اسلام را با حقوق جزای غرب، تطبیق علمی و دقیقی بدهند، کتاب *(التشريع الجنایی فی الاسلام)* از عبدالقادر عوده که دانشجوی رشته حقوق در الازهر بود، بعد هم وکیل دادگستری شد. نسبت به اسلام تعهد داشت، جزو شاگردهای حسن البناء بود، در علوم اسلامی هم دست داشت. او بر اساس غیرت اسلامی خود سعی کرد نظام جنایی و کیفری اسلام را تنظیم کند و در مقابل سیستم جنایی غرب ارائه دهد. این کتاب در حدود پنجاه سال پیش نوشته شده و کتاب بسیار خوبی است. باید دنبال این گونه کارها رفت و فارغ‌التحصیلان سعی کنند این گونه خلأها را پر کنند، این کار بسیار بزرگی است. عوده در این کتاب سعی کرده به مصاف سیستم قضایی غرب برود و محتوای فقه - البته فقه اهل سنت - را با تقسیم‌بندی‌ها و اصطلاحات حقوقی امروز عرضه کند. برادر بزرگ شهید صدر، مرحوم آقا

سید اسماعیل صدر از بس از این کتاب خوشش آمده بود بر آن حاشیه نوشت و آرا و نظرهای فقه شیعه را در حاشیه آن ذکر کرد و یک جلد آن را چاپ کرد که در قم هم تجدید چاپ شده است. درست مانند همان کاری که مرحوم آقا شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در مورد کتاب *(المجله)* که در حقیقت قانون مدنی و احوال شخصی حکومت عثمانی بود، انجام داد و نظرگاه‌های فقه شیعه را در حاشیه *(المجله)* آورد، *(تحریرالمجله)* را تدوین کرد که در دو جلد چاپ شد و کتاب بسیار خوبی است. کتاب *(مصادر الحق)* عبدالرزاق سنه‌وری حقوقدان مشهور مصری و کتاب *(الفقه الاسلامی فی ثوبه الجدید)* از مصطفی زرقاء از همین قبیل است. اینها همه در راستای عرضه کردن معارف اسلامی در قالب رشته‌های مختلف علوم انسانی است. عرضه معارف اسلامی به این صورت چه در فلسفه و کلام چه در اقتصاد و جامعه‌شناسی و حقوق بیشتر مؤثر است و در مدیریت جامعه و فرهنگ‌سازی و در همه مسائل اجتماعی، کاربرد دارد.

در این بخش، نظریه‌پردازی لازم است و کسی که می‌خواهد چنین کاری را انجام دهد باید قدرت نظریه‌پردازی داشته باشد. این خلأها باید از سوی چنین مراکزی پر شود. ما امروز در حوزه علوم انسانی که جنبه اجتماعی دارد و بر روابط اجتماعی اثر می‌گذارد از قبیل حقوق و جامعه‌شناسی و اقتصاد و سیاست و مدیریت و نیز آن دسته از علوم انسانی که جنبه اعتقادی و نظری دارد مانند فلسفه و کلام و تفسیر و اعتقادات، نیاز به تجدید نظر و نظریه‌پردازی جدید داریم. این به معنای تجدید نظر

در محتوا نیست، بلکه تجدید نظر در قالب و در شیوه ارائه و ابراز است. شاید در حوزه‌ها کمتر به این فکر باشند. یکی از مراکزی که می‌تواند در این مقصد فوق‌العاده مؤثر باشد و حتی به حوزه‌های علمیه نیز خدمت کند و آنها را به این سمت بکشانند، این‌گونه مراکز و مؤسسات است. فارغ‌التحصیلان اینجا فردا باید در دانشگاه‌ها و محافل علمی نظر علمی بدهند و نیز پاسخگوی شبهات جدیدی باشند که بر اسلام وارد می‌شود، شبهات گذشته حالا اصلاً مطرح نیست. علاوه بر این، باید نیازهای نظری و کاربردی دولت اسلامی را برطرف کنند، دولت اسلامی مثلاً می‌خواهد یک نظام اقتصادی را اجرا کند، این نظام اقتصادی چگونه باید باشد؟ اینجاست که باید سیستم اقتصادی اسلام را ارائه دهیم و چهارچوب‌ها و هدف و سیاست‌های آن را مشخص کنیم. یا مثلاً باید نظام قضایی اسلام و سیاست‌های آن را برای دستگاه قضایی مشخص کنیم و قالب متناسب آن را از محتوای تعالیم اسلام استخراج کنیم. پس دانش ما باید هم کاربرد عملی در مدیریت جامعه اسلامی داشته باشد و هم اثر علمی و آموزشی در دانشگاه‌ها و محافل علمی و هم اثر اجتماعی و فرهنگی در جامعه داشته باشد.

راهی را که علامه طباطبایی و شهید مطهری در اصول فلسفه و روش رئالیسم یا شهید صدر در *(فلسفتنا)* و *(اقتصادنا)* و *(الاسس المنطقیه للاستقراء)* باز کردند، باید ادامه پیدا کند. آنها با حفظ اصالت اسلام، نظرهای جدیدی را در پاسخ به نیازهای زمان، طراحی و عرضه کردند.

فضل و عمق فقهی و اصولی آنها در ابداع این نظرهای جدید نقش داشته است. آنها علم را فقط برای خود علم نمی‌خواستند، برای مکتب می‌خواستند. مثلاً شهید صدر سی، چهل سال پیش یک نظام اقتصادی به نام نظام اقتصاد اسلامی مطرح کرد، این طرح بایستی دنبال شود. اینها الگوهایی است که داده شده و جاده‌هایی است که باز شده، حالا حوزه‌ها باید آن را دنبال کنند و نظرگاه‌های جدیدی به دست آورند. آن‌ها مدعی نبودند که کارشان کامل است و چیزی فراتر از آن نیست. تازه اول کار است، این‌ها چون نبوغ و استعداد فوق‌العاده‌ای داشتند و خدا هم به آنها توفیق داد، این‌ها را باز کردند، این‌ها بایستی دنبال شود. به نظر من، هیچ کار دیگری مفیدتر از این نیست که ما شیوه این بزرگان را در تولید اندیشه‌های جدید ادامه دهیم، اینها با نبوغ و استعداد خود، راه درست را پیدا کردند، این راه را در همه عرصه‌ها باید دنبال کرد. واقعاً تفسیر المیزان مرحوم علامه، عزت و افتخاری برای تشیع و برای جهان اسلام است، تفسیر به این جامعی اگر نگوییم در کل تاریخ اسلام، دست کم در این دو سه قرن اخیر نداشته‌ایم. روش ممتاز این تفسیر و توجه او به مسائل اجتماعی، باید دنبال شود. اگر این روش مسدود شود و به جای ادامه و استكمال آن، به تجربه روش‌های دیگر بپردازیم، واقعاً عقب‌گرد کرده‌ایم. اگر مثلاً در اقتصاد، تجربه آقای صدر را رها کنیم و ابواب معاملات را به عنوان اقتصاد اسلامی مطرح کنیم، عقب‌گرد کرده‌ایم. مطرح کردن احکام معاملات، اقتصاد اسلامی نیست.

در حقیقت، جدّ و جهد و انگیزه درونی و ذاتی طلبه است که او را ملاً می‌کند، مأموری بالای سر شهید صدر و شهید مطهری نبوده که آنها را مجبور به تحصیل و تحقیق کند. جوشش درونی و علاقه آنها به تحصیل و فراگیری بیشتر و دقیق‌تر و محققانه‌تر و عشق و تعهد آنها به اسلام بود که آنها را به کار وامی‌داشت تا شهید مطهری و شهید صدر شدند. برای مدرک و شغل و کار تحصیل نکردند، فقط برای خدا و ترویج معارف اسلامی تحصیل کردند و در این راه تمام وقت و وجود خود را گذاشتند. بنده از شهید صدر شنیدم که می‌گفت بارها شده من ده ساعت مشغول مطالعه و تحقیق بودم، ناهار من را می‌آوردند پنج، شش ساعت می‌ماند و سرد می‌شد؛ شب فرا می‌رسید، نماز را می‌خواندم و دوباره مشغول مطالعه می‌شدم. ایشان می‌گفت من پنج سال از نجف قدم بیرون نگذاشتم، نه سفری و نه تفریحی. بی‌جهت کسی شهید صدر و شهید مطهری نمی‌شود. ان شاء الله از این بزرگان الگو بگیریم، آنها را اسوه خود قرار دهیم، هم در تزکیه و سیر و سلوک و هم در جد و جهد علمی.

لزوم ایمان و همت والا در نشر اندیشه های اسلامی

خداوند وعده فرموده و شکی در آن نیست که اسلام همه‌گیر خواهد شد و در تمام ادیان آسمانی همین وعده داده شده است و بر این موضوع تاکید شده است. این دیدگاه باید به نیروها منتقل شود تا متوجه شوند که

چه مسؤولیتی دارند، داشتن چنین دیدگاهی در بازسازی روحیه آن ها مؤثر خواهد بود^(۱).

ما به کشورهای که داعیه اسلام دارند رفته ایم، در آن جا مسلمانان تحت فشار و فلاکت و بدبختی هستند؛ پس قدر این انقلاب اسلامی را بدانیم. امید مسلمانان و صاحبان فکر و اندیشه به ما است، پس باید نقش خود را خوب بازی کنیم، نیاز به همت فراوان است؛ زیرا همه چشم به نظام ما دارند. تحقق بخشیدن به آرمان ها و ارزش های اسلام، برقراری آزادی های مشروع و حمایت از آن ها، گسترش عدالت و پاسداری از امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که هم در قانون اساسی آمده و هم فقه اسلام به آنها پای بند است، باید در صدر اهداف قرار گیرند. واقعاً ایمان و همت والا لازم است تا این اصول و ضوابط تحقق یابند.

آموزش و تحقیقات اساس کار نشر اندیشه ی اسلامی

کامل ترین دین، اسلام است و در اسلام تعلیم و تزکیه، از نظر افقی، عمودی بالاتر از همه ادیان الهی قرار دارد. معارف اسلامی بی حد و منتهاست، به خصوص با داشتن منبعی سرشار همچون قرآن کریم که تفسیر کامل آن وجود دارد و انبوه روایات و احادیثی که از معصومین روایت شده، و یکی از امتیازات مذهب، به شمار می رود. منابع روایی و احادیث ما،

۱ - دیدار با فرماندهی نیروی زمینی ارتش و معاونان، تاریخ ۷۸/۸/۲

از آنچه که در مذاهب دیگر وجود دارد، هم از لحاظ کیفیت و هم از لحاظ کمیت بسیار بالاتر است.

اگرچه بزرگان اسلام و علمای قبل کارهای گسترده‌ای در رابطه با منابع اسلامی انجام دادند. افرادی همچون خواجه نصیرها و علامه‌ها که به خاطر نبوغ و استعداد و جدیت و همت والایی که داشتند هر سطر از تحقیقات‌شان به اندازه یک رشته علم است. اما متأسفانه به دلیل عدم آموزش و تحقیق جدی در این زمینه‌ها به جز چند رشته محدود، روی بقیه به اندازه کافی کار نشده است و از آنها استفاده لازم به عمل نیامده است.

لزوم استفاده از ابزارهای جدید و نرم‌افزارهای رایانه‌ای در نشر اندیشه اسلامی

استفاده از ابزارهای جدید و نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز در جای خود اهمیت دارد و تحقیق در علوم را آسان‌تر می‌کند و آن را به مخاطبین بیشتری می‌رساند. به کارگیری این روش‌ها در رشته‌های مختلف معارف اسلامی اگر به طور علمی و شیوه صحیح انجام بگیرد، معارف ما را در دنیا زنده می‌کند. بسیاری از محققان خارج از حوزه فرهنگ اسلامی نمی‌توانند با روش‌های قدیم و تقسیم‌بندی‌ها و عبارتهای مغلق متون علمی ما به معارف اسلامی دست یابند.

نماز جمعه یکی از بهترین جلوه‌های نشر اندیشه‌های بلند اسلامی

توجه دادن مردم به معنویت و به فضیلت‌ها و ارزش‌ها، بسیار مورد نیاز همه مردم است. کم‌رنگ شدن این فضیلت‌ها و ارزش‌هاست که همه این مشکلات و فسادها را در جهان امروز به بار آورده است، این همه بی‌عدالتی‌ها و ظلم‌ها، به سبب دوری از ارزش‌های معنوی است.

برای تربیت معنوی مردم و اصلاح جامعه و جلوگیری از مفاسد مختلف فردی و اجتماعی و فرهنگ‌سازی و اندیشه‌سازی برای مردم می‌بایست از همه ظرفیت‌ها استفاده شود. باید با حکمت و درایت و اشراف بر مقاصد اسلامی از تکنیک‌های روز و امکانات فعلی و فرصت‌های مناسب در این جهت استفاده کرد. این کار بسیار با ارزشی است راهکارها و برنامه‌های آن را مطالعه کنید، قطعاً دنیا از آن استقبال می‌کند. نماز جمعه، مخصوصاً نماز جمعه تهران مملو از معارف و بینش‌ها و اندیشه‌های بلند اسلامی است و بحث‌های گوناگون فقهی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در آن هست، شیوه و شکل و شمایل آن هم مخصوصاً در تهران بسیار جالب و پرجاذبه است و مایه عزت و افتخار نظام است^(۱).

این نماز در سایت‌ها و وسایل ارتباطی جدید به زبان‌های مختلف منعکس شود تا به سهولت در دسترس مردم جهان در هر کجا که هستند

۱ - دیدار با اعضای شورای مرکزی ستاد نماز جمعه، تاریخ: ۸۱/۵/۹

قرار گیرد و از شکل و محتوایش آگاه شوند. این خیلی مؤثر است، این عبادت شکوهمند بسیار پرهیبت و زیبا و جاذبه‌دار است و حقانیت آن در دل مردم نفوذ می‌کند. ما معتقدیم اسلام دین فطری است و هر عقل سالم و وجدان غیرآلوده‌ای احکام و تعالیم آن را به سرعت جذب می‌کند. نماز جمعه یکی از بهترین جلوه‌های اسلام ناب است. خطبه‌ها و سخنرانی‌های قبل از خطبه که در این سه دهه، فراهم شده است از منابع صد سال هم مطلب بیشتر دارد و هم مطالب آن زنده‌تر و کاربردی‌تر است. این مجموعه‌ها به نحوی در اختیار دنیا قرار بگیرد. البته این کارها امکانات و پشتیبانی می‌خواهد. مناسب است که برای نماز جمعه تشکیلاتی در حد یک وزارتخانه ایجاد شود و امکانات و بودجه مناسب در اختیار آن گذاشته شود تا بتواند از این ظرفیت‌ها استفاده کند.

موضوع‌بندی بحث‌ها در سخنرانی‌ها بسیار مفید است، خطبه‌ها عرضه انوار الهی و معنوی به جامعه است، پس باید برای استفاده بهتر از آنها برنامه‌ریزی شود. نیروهای وارسته و دانشمند در دانشگاه و در حوزه فراوان داریم، برای بیان مطالب پرجاذبه و مؤثر از آنان استفاده شود.

تبیین اندیشه اسلامی برای جهانیان بایستی بسیار ظریف و هنرمندانه باشد

نظام اسلامی مبتنی و متکی بر اندیشه و منطق خاص خود است. این اندیشه و مکتب خاص برگرفته شده و کلیشه از مکتب‌های دیگر نیست. اگر هم در برخی شعارها و مفاهیم، تشابهی با مکتب‌های دیگر داشته باشد،

در خیلی از موارد تنها یک تشابه اسمی و اشتراک لفظی است، اگر تشابه و اشتراک معنوی هم باشد باز مبنا و فلسفه اصیل اسلامی، آن را از دیگر مکاتب متمایز می‌کند. توجه به این نکته اساسی هم در جهت بسترهای گفتگویی که در جهان و میان فرهنگ‌های مختلف ایجاد شده بسیار مهم است و هم در درون کشور. تبیین این اندیشه برای جهانیان قهراً در حوزه وظایف نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور قرار دارد، البته این تبیین بایستی بسیار ظریف و هنرمندانه و به گونه‌ای باشد که توجه ملت‌ها مخصوصاً نخبگان را برانگیزد و به اندیشه‌های اسلامی راغب کند. امروز در افکار عمومی نخبگان و مردم جهان آمادگی برای این دعوت هست. تداوم انقلاب ما و ایستادگی و قاطعیت آن در پاسداری از مبانی خود و تأثیرگذاری آن بر بسیاری از مناسبات جهانی، دنیا را اگر نگوییم برای پذیرش، دست کم برای توجه به این مبانی و اندیشه‌ها آماده کرده است^(۱).

مستکبران سعی داشتند و دارند که با تبلیغ اسلام ناب و تفکر امام راحل مبارزه کنند و نگذارند این اندیشه و منطق به جهان منعکس شود. تأثیر فوق‌العاده منطق انقلاب اسلامی بر وقایع و تحولات منطقه‌ای نیز عزم مستکبران را در این مخالفت جدی‌تر کرده است. امروز جوانان فلسطینی و لبنانی و دیگر نقاط جهان اسلام از تفکر امام علیه السلام الهام می‌گیرند، در حقیقت تفکر انقلاب اسلامی معادلات سیاسی منطقه را برهم زده و استراتژی و

۱ - سخنرانی در همایش رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور، تاریخ

۸۱/۵/۲۷

ادبیات سیاسی جدیدی در منطقه و جهان مطرح شده است. دشمن هم قدرت شگفت انقلاب ما را در این حوزه درست درک کرده و تلاش می‌کند با جنگ روانی تأثیرگذاری آن را مهار و خنثی کند. وظیفه اصلی سفارتخانه‌های ما، تبیین وجهه برونی نظام و حکومت اسلامی است، تنها به مسائل روزمره و اداری و دیپلماتیک معمولی بسنده نکنند. همگی در مقابل چنین رسالت عظیمی قرار گرفته‌ایم و این تکلیف همه ماست. اندیشه انقلاب اسلامی در مقابل گفتمان‌های دنیای جدید، حرف جدید دارد و می‌بایست مطرح شود، البته با ظرافت و استفاده از ابزارهای مناسب. طوری نشود که احساس شود ما دنبال التقاط از اندیشه‌های آنها هستیم، البته احترام به اندیشه دیگران و مکتب‌های دیگر و دستاوردهای تمدن بشری، جای خود را دارد، ولی نباید اصالت اندیشه اسلامی مخدوش شود. مفاهیم اسلام ناب اولاً خوب درک شود و ثانیاً با استفاده از ابزار و ادبیات مناسب به خوبی تبیین شود، مثلاً وقتی مردم سالاری دینی را مطرح می‌کنیم، این مفهوم به درستی درک و بعد هم تبیین شود. برخی از مفاهیم را ممکن است مکتب‌های دیگر هم مطرح کنند، مثلاً عدالت و عدالتخواهی را ما مطرح می‌کنیم، مکتب‌های دیگر هم مطرح می‌کنند، ولی اینها فقط تشابهات لفظی است و آن طور نیست که آنچه را آنها تحت عنوان مردم سالاری یا عدالتخواهی معتقدند، عین آن را نظام اسلامی نیز معتقد است.

نکته دیگر این که در تبیین و عرضه مقوله‌های مربوط به مبانی نظام و انقلاب اسلامی و اندیشه امام راحل، می‌بایستی توجه شود که با عزت و

افتخار و سربلندی و از موضع تهاجمی مطرح شود و نه با حالت منفعلانه و خود کم‌بینی و از موضع تدافعی. حرف‌های تازه انقلاب اسلامی در زمینه‌های مردم سالاری و عدالت گستری و اخلاق اسلامی و جامعه مدنی اسلامی، همه برخاسته از مبانی فکری انقلاب اسلامی است و به عنوان یک مکتب تمام عیار و کامل رقیب جدی مکاتبی است که امروز در دنیا مطرح است. در مقابل، نقاط ضعف مکاتب‌های رقیب بیان شود،

تبلیغ و نشر اندیشه های اسلامی در اسلام یک وظیفه مقدس و همگانی

یکی از امتیازات اسلام و حکومت اسلامی این است که دارای تاریخی بسیار روشن و پرافتخار است. اندیشه اسلامی سال‌ها حکومت کرده و فکر دینی حاکم بوده و با همه مشکلاتی که در رأس خلافت اسلامی و حکومت اسلامی بعد از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ایجاد شد ولی بالاخره اصل نظام، نظام اسلامی بوده و سال‌ها حاکمیت داشته است و بر کل جهان فرمانروا بوده است. وقتی اروپا در سیاهی قرون وسطی و در آن ظلمات زندگی می‌کرده است، این‌جا تمدن درخشان اسلامی وجود داشته است و مخصوصاً در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی خدمات بسیار ارزشمندی داشته است. این تمدن در پرده‌های حجاب تاریخی که به وسیله فرهنگ غرب غالب شده است به‌خصوص در قرن بیستم از نظر ما دور مانده است. در فرهنگ، در مدارس و در همه جا، مردم خیلی از اینها

را نمی‌دانند، این‌ها باید زنده بشود. این‌ها غبارهایی است که دشمنان بر سابقه روشن این امت اسلامی و احکام اسلامی و تمدن اسلامی پاشیدند، اکنون باید این حجاب‌ها را برداریم و واقعیت‌ها را ارائه بدهیم و نشان بدهیم چه بوده است. هر فصلی از تاریخ و تمدن اسلامی با انبوهی از ارزش‌های اسلامی و عدالت‌ها و خوبی‌ها و محاسن اسلام شکل گرفته است، به نحوی که اگر انسان بتواند آن را زنده کند و بیرون بکشد و به شکل‌های تبلیغی روز، فیلم و رمان و قصه و تئاتر، در سینما و صدا و سیما عرضه کند، این یک عامل بسیار قوی برای هدایت اکثر جوامع می‌شود. چون آثار هنری به همه جا می‌رود از کودک خردسالی که با اشتیاقی می‌نشیند پای تلویزیون و نگاه می‌کند تا آن پیرمرد معمر، همه را سرگرم می‌کند. ما این کارها را نکرده‌ایم یا واقعاً کم کرده‌ایم، اما یک مسیحی آمده و روایات تاریخ اسلام را به شکل رمان نوشته است، جرجی زیدان اکثر تاریخ اسلام را به شکل رمان درآورده است. البته نواقص زیاد دارد و اگر کسی دقت کرده باشد خلاف واقع هم زیاد دارد، چون بر طبق فکر و اعتقاد مسیحی او بوده و اعتقاداتش را در آثار خود دخالت داده است. خیلی از این کشورها و بنگاه‌ها تکه تکه و قصه قصه این کتاب‌ها را فیلم کرده‌اند^(۱). این یک کار بسیار ابتدایی و فردی یک نفر است با نبودن امکانات و نواقص زیاد و شاید انحرافات. حکومت اسلامی با این همه امکانات بسیار می‌تواند در این قسمت خدمت کند.

۱ - دیدار با اعضای ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی، تاریخ ۵/۱۱/۷۸

تبلیغات در هر قسمت یک حالت احیا و احیاگری می‌خواهد و باید به نحوی احیا بشود که با شیوه و قالب‌ها و مفاهیم روز تطبیق داده بشود و در آن قالب‌ها ریخته بشود. این روایتی که معروف است و ما از قبل هم می‌خواندیم «لا ینتشر الهدی الا من حیث انتشر عنه الضلال» یکی از معانی آن همین است، یعنی از همان شیوه‌ها و راهکارها و ابزارها و فوت‌وفن و شگردهایی که دشمن نفوذ می‌کند و از آن راه سعی می‌کند که مردم را به انحراف بکشانند و از اسلام جدا کند؛ در طریق نشر هدایت هم باید از همان شیوه‌ها استفاده بشود، مگر آن وسیله و ابزاری که صریحاً در اسلام نهی شده است یعنی فساد در ذات خود آن ابزار باشد. در غیر این صورت از همه این ابزارها باید استفاده بشود. یکی از این ابزارها که مهم‌ترین ابزار است، خود قالب‌های مفهومی روز است؛ ما مفاهیم خودمان را باید در قالب‌های روز بریزیم تا بتوانیم جوان امروز و آحاد مردم امروز دنیا را تربیت کنیم و به اسلام معتقد کنیم. اگر بخواهیم با زبان دویست سال پیش صحبت کنیم و اگر مفاهیم و قالب‌هایی که مطرح می‌کنیم دور باشد از آنچه که جوان امروز در آموزش و پرورش، در دانشگاه‌ها، در مطالعات امروزی با آن آشنا شده است، نه او حرف ما را درست می‌فهمد و نه زبان ما در او اثر می‌کند و همین‌طور ما هم مشکل او را درست نمی‌فهمیم. بالاخره این هم مساله‌ای است که بسترها و زمینه‌های کار بایستی به خوبی مشخص شود، زمینه‌های متعددی وجود دارد که هم در داخل و هم در خارج کارساز است.

در خارج هم باید بگوییم نظام ما دارای عظمتی است، مردم با احترام و عظمت به این انقلاب نگاه می‌کنند، امید مردم مسلمان و مستضعف دنیا به این انقلاب است. این انقلاب می‌تواند به آنها الگو بدهد آنها مدل‌های زندگی‌شان را می‌توانند از این‌جا بگیرند، حتی بعضی از کشورها و نظام‌ها دنبال این هستند که از کارهایی که در این نظام مقدس در رابطه با قوانین اسلامی و پیاده کردن اسلام و تطبیق قوانین جامعه با فقه اسلام شده است، استفاده کنند. آن‌ها نه این علما را داشتند و نه این تجربه و نه این معارف را داشتند و دارند و در ملاقات‌هایی که انجام می‌گیرد معمولاً این مسأله مورد توجه است، واقعا آن‌ها انتظار دارند که ما الگوهای کاملی در هر بخشی به آن‌ها بدهیم. مسأله تبلیغات و مسایلی که مربوط می‌شود به فرهنگ عمومی و عامه مردم همین‌طور است. یکی از مسایل و محورهای اصلی کار تبلیغات این است که تبلیغ به درستی تعریف شود.

تبلیغ در اسلام یک وظیفه بسیار مقدسی است و وظیفه همگانی است، وظیفه‌ای است که بیشترین سنگینی آن بر دوش شخص اول حکومت اسلامی یعنی پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم بوده است. فصل ممیز پیغمبر و افتخار پیغمبر این است که فرستاده خدا برای تبلیغ اسلام است. بعد هم همه ائمه و علما مسؤول‌اند تا برسد به تک‌تک افراد جامعه که هم مسؤولیت دارند «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». امر تبلیغ امر مقدسی است و وظیفه همگانی است. با این وصف تبلیغات بایستی تعریف

بشود و آن وقت معلوم خواهد شد که یک وظیفه بسیار مهم، خطیر، سنگین و شریف است و این ابعاد را هم دارد. این محورها و شاید محورهای دیگری در کل قابل تامل به نظر می‌رسند.

جشن‌ها و سخنرانی‌هایش، باید طوری تنظیم بشوند و به وسیله اشخاصی تبیین و عرضه شوند که بتوانند این عظمت را برای مردم روشن کنند. قدر این را بدانند، که در چه نظامی و در چه آب حیات اکسیری زندگی می‌کنند؛ همه این قضایا راهکار دارد.

نظام اسلامی در تمام زمینه‌ها باید پاسخگو باشد و حرف داشته باشد^(۱)

مسأله اندیشه در فرهنگ اسلامی و مسایل فکری زمینه و قلمرویی بسیار گسترده دارد که باید برای بررسی و پرورش آن گروه‌هایی تشکیل داد. ما منابع خوبی داریم، اسلام در این زمینه هم نظرهای ارجمندی داده است. دنیا هم نظرهای خاص خودش را دارد. باید با استفاده از این منابع این بخش‌ها را گسترش داد.

نظام اسلامی در تمام زمینه‌ها باید پاسخگو باشد و حرف داشته باشد. اسلام به عنوان یک مکتب که آن را از مکتب‌های دیگر برتر می‌دانیم، حاکمیت دارد، و این وظیفه ما را مشکل می‌کند اما ضروری است. تمام این

۱ - دیدار با رئیس و معاونان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تاریخ ۲۶/۱۰/۷۸

فعالیت‌ها در جای خودش ضروری است، کم‌کاری هم شده است و هرچه بیشتر کار کنیم باز هم کم است.

در رابطه با مسایل فکری، بیایید زمینه‌های دینی - مذهبی جامعه بیست سال پیش را با بعد از انقلاب مقایسه کنید. کجا هستند محصولات فرهنگی و فکری به معنای اصیل آن؟ مطبوعات از بیست سال پیش به این طرف ده‌ها برابر رشد داشته اما چه رشدی؟ در جهان تشیع، افرادی مثل آیت‌الله صدر و طباطبایی را با آن تحصیلات عالیه داشته‌ایم. بیست سال قبل از انقلاب تفسیری مثل (تفسیرالمیزان) بوده است. بعد از انقلاب چه؟ چنین کتابی آمده است؟ یا مثل نوشته‌های شهید مطهری آثاری نوشته شده است؟ بحث سیاسی در روزنامه و مجله خوب است اما این یک مسأله است، و این که بتوانیم نظریه ارائه بدهیم مسأله دیگری است. آیا توانسته‌ایم مثلاً اقتصاد اسلامی را از نظر علمی و هم از نظر مبانی فقهی، تدوین کنیم؟ اگر مقایسه را ادامه دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که رشدی نداشته‌ایم.

در مسایل اجرایی نظام که بعد از انقلاب باید بر مبانی اصیل اسلامی شکل می‌گرفت، نهادها، تشکیلات و برنامه‌ریزی‌هایی که نظام نیاز داشت در این قسمت‌ها چقدر رشد کرده‌ایم؟ واقعاً برنامه اول و دوم و سوم براساس کارشناسی اقتصاد اسلامی است یا براساس تکنیک روز بنا شده است؟

خود قوه قضائیه که محل ابتلا و نگرانی ماست. آیا این قوه، رشد داشته است؟ بله کار زیاد شده اما آیا رشدی بعد از انقلاب داشته است؟

ساختار در قوانین و مصوبات مربوط به قوه پیشرفته است، اما از نظر اسلامی، سیاست‌های قضایی ما چگونه است؟ آیا فکری شده است؟ قوانین قضایی و جزایی اسلامی ما پررنگ‌تر شده است یا کم‌رنگ‌تر؟ این بخش را نگاه کنید آیا نسبت به اول انقلاب، رشدی داشته، آیا نباید نظام قضایی اسلام بیرون کشیده می‌شد؟ اما حالا که نگاه می‌کنیم می‌بینیم حالت وصله‌پینه کردن داشته است. جاهای خراب همان‌گونه مانده و جاهایی را اصلاً تشخیص نداده‌اند.

در مسایل مربوط به دانشجویان و آموزش و پرورش، کسی به فکر افتاده است که ساختارها را تغییر دهد؟ هیچ فکری شده؟ این ساختارها اصلاً تناسبی با مبانی اسلامی دارد یا نه؟ این ساختارها فرمول اروپا بوده که از نظر اخلاقی، آزادی زیادی داشته‌اند. ما آن‌را پیاده کرده‌ایم که چه بشود؟ چه اندازه در این بخش کار شده است؟ ممکن است کارهای اجرایی انجام شده باشد اما بر چه مبنایی؟ نظریه باید از فقه و اسلام بیرون کشیده شود. مثل بحث آزادی که امروز مطرح است. آیا کسی نظریه سیاسی در مورد آزادی و براساس مبانی اسلامی مطرح کرده است تا جلو این حرف‌ها را بگیرد؟

این‌ها دغدغه‌هایی است که باید در موردشان، تأمل و تعمق و کار صورت گیرد. کارهایی که انجام شده بسیار خوب است اگر در بستر رسیدن به اهداف و نظر اسلام باشد و به اهدافی غیر از آن نینجامد. اثر عملی کارهای انجام شده بر روی جوانان و نخبه‌ها (چه حوزه و چه دانشگاه)

بسیار ضعیف بوده است. جامعه ما دارد کشیده می‌شود به سمت کسانی که فرهنگ مخالف ما را ترویج می‌کنند. شاهد این دغدغه‌ها، در سخنان رهبری نیز هستیم که چرا کارها این گونه انجام می‌شود؟ همان چیزی که من همیشه در سخنان ایشان، شنیده‌ام.

نقش اندیشه‌ی اسلامی در تکامل علوم تجربی^(۱)

یکی از مستشرقان آلمانی حدود چهل، پنجاه سال پیش، کتابی نوشت به نام *(آفتاب اسلام بر غرب می‌تابد)*، من ترجمه عربی آن را خواندم، این مستشرق آلمانی سیر تحول تک‌تک رشته‌های علوم طبیعی و تجربی را بررسی کرده و مشخص کرده بود که هر یک از این علوم قبل از اسلام در چه حدی بوده و چگونه وارد جامعه مسلمان‌ها شد، اولین دانشمند مسلمانی که آن را فرا گرفت که بود و پس از آن این علم در تمدن اسلامی چقدر و چگونه رشد کرد و چه علمای بزرگی از مسلمان در این رشته درخشیدند. وی همه این مطالب را در مورد هر یک از رشته‌های علمی مانند فیزیک، شیمی، هیئت، ریاضی به صورت کاملاً مستند و با ارائه آمار مناسب آورده بود. این کتاب، خواننده را با تعجب به این نتیجه می‌رساند که زمینه تمدن و فن‌آوری و انقلاب صنعتی اروپا را دانشمندان اسلامی فراهم آوردند و این تمدن جدید مسبوق به تلاش‌های علمی دانشمندان مسلمان در قرون گذشته است. در دوران شکوفایی تمدن اسلامی، اروپا همچنان در جهل

۱ - دیدار با اعضای شورای مرکزی بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف، تاریخ ۷۹/۶/۲۷

قرون وسطایی خود بود؛ جنگ‌های صلیبی که به مدت دو‌یست سال با فراز و نشیب‌هایی طول کشید، سبب شد که اروپایی‌ها از پیشرفت‌های علمی جوامع اسلامی آگاه شوند. همین امر باعث شد که آثار علمی مسلمانان به تدریج به جوامع غربی انتقال یابد، به‌ویژه از طریق کشورهای که با کشورهای اسلامی هم‌جوار بودند. از طرفی در همین زمان در درون جهان اسلام، مشکلات سیاسی و جنگ‌های داخلی شروع شد؛ حمله مغول ضربه بزرگی به تمدن اسلامی بود. اروپایی‌ها از این حمله مصون ماندند و آنچه را که از مدرسه‌های علمی اسلام مثل مستنصریه بغداد گرفته بودند، ادامه دادند. در حقیقت پایه‌های انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های علمی را مسلمانان بنا نهادند، ولی نتیجه آن را اروپا گرفت. باید این حقایق را از دل تاریخ بیرون کشید و مستند و با ادله تاریخی ارائه کرد.

دینداری در عین دنیاداری در اندیشه اسلامی

حاصل کلام، مقصودم این است که تصور نشود دینداری به معنای ترک دنیا و علوم دنیایی است، بلکه برعکس، دینداری بایستی در عین دنیاداری شکل بگیرد؛ یعنی انسان وقتی در درون دنیاست بتواند دین را در امور دنیایی خود، احیا کند. سیر و سلوک واقعی آن است که کسی بتواند در قلب جامعه و روابط اجتماعی باشد و خدا را ببیند، چنان‌که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام این‌گونه بودند. هیچ‌کس به اندازه پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام، فعالیت دنیایی و تحرک اجتماعی و

سیاسی نداشته است، ایشان نرفتند در گوشه‌ای بنشینند و سیر و سلوک کنند؛ سیر و سلوک‌شان در متن جامعه و میدان جنگ و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بود، ولی در همه این فعالیت‌ها خدا را می‌دیدند. حضرت امیر می‌فرماید: من هیچ‌کاری نکردم مگر اینکه در آن کار و قبل از آن و بعد از آن خدا را دیده باشم. «الا و رأیت الله قبله و بعده و فیه». این است آن سیر و سلوک اسلامی که آرمانی و دشوار است، و گرنه کنار کشیدن و به گوشه صومعه‌ای خزیدن و ترک دنیا کردن، هنر نیست. این کار ترک سلبی دنیاست، برای رفع موضوع، رفته جایی که دیگر کششی وجود نداشته باشد تا در برابر آن مقاومت کند. مطلوب آن است که انسان با حفظ موضوع دنیا و کشش‌های آن، فریفته آن نشود و در عین حضور فعال در متن دنیا و جامعه و فعالیت‌های دنیایی، مجذوب کشش‌های دنیا نشود و هر حرکتی که می‌کند به انگیزه الهی باشد. نظریه سیر و سلوک اسلامی این است، لذا تأکید می‌کند که انسان بایستی دنبال علم و رونق و گسترش امکانات جامعه و پیشرفت مادی و فن‌آوری باشد، ولی همه اینها برای خدا و خدمت به مردم و رونق‌دادن به وضع اقتصادی و اجتماعی مردم و رفع مشکلات آنها باشد.

مفهوم آزادی در اندیشه‌ی اسلام

در حقیقت آزادی که در اسلام مطرح است فقط آزادی از بند و غل و زنجیرهای مادی نیست، بلکه آزادی از بند و زنجیرهای فکری و فرهنگی

که در حقیقت انسان را به بند می‌کشد و اسیر هواها و شهوات می‌کند و ارزش انسان و کرامت انسانی را پایمال می‌سازد نیز منظور است. اسلام تمام این بندگی‌های گوناگون را برمی‌دارد، در تعریف اسلام از انسان او را شریف‌تر و با کرامت‌تر و برتر از همه مخلوقات می‌شمارد و زندگی انسانی را از محدوده این حیات چند روزه دنیایی فراتر قرار می‌دهد. به انسان می‌فهماند وجود او محدود به حیات این دنیا نیست، بلکه وجود ابدی دارد و حضور او در این دنیا یکی از صور وجودی اوست و با مرگ او تنها صورت وجود او مبدل می‌شود و به مرتبه برتری قدم می‌گذارد. انسان با این تعریف، وجود حقیقی خود را کشف و درک می‌کند.

انسان نیز در همین چهارچوب تعریف می‌شود، رهایی و آزادی از غل و زنجیرهای درونی و بیرونی و حفظ کرامت انسانی یکی از ارزش‌های اصیل مکتب اسلام و مشخصه‌های اصلی جامعه اسلام است^(۱).

آزادی در غرب چیزی جز تزویر نیست

به نظر من آزادی در غرب هم تزویر است، یعنی آن‌ها هم تعبیرهای دروغین از آزادی می‌کنند؛ جایی که مصالح‌شان به خطر بیفتد، آن‌جا نه اهل قلم، نه اهل علم و نه دانشمند می‌شناسند. مگر در فرانسه، دانشمند بزرگی مانند روژه گارودی را محکوم کردند آن هم به جرم این که او با یک تحقیق کامل و دقیق تاریخی و اجتماعی، یک دروغ تاریخی

۱ - سخنرانی در گلستان شهدای اصفهان، تاریخ ۷۹/۸/۲۹

صهیونیست‌ها را افشا کرد؟ روژه گارودی یک فیلسوف و یک استاد بزرگ معاصر است.

مگر در فرانسه دختری را که با چادر می‌خواست به مدرسه برود جلویش را نگرفتند؟ آن‌ها ادعای آزادی هم دارند، اما جاهایی که منافع‌شان به خطر می‌افتد و هویت حکومت‌شان به خطر می‌افتد دست به هر کاری می‌زنند. آن‌ها هم دنبال منافع حکومتی هستند و نه مردمی لذا می‌بینیم این طوری مردم را می‌گیرند و محکوم‌شان می‌کنند و به زندان‌شان می‌برند. روژه گارودی اهل قلم و فکر و اندیشه است، او یک فیلسوف و استاد بزرگ معاصر است. مقصود من این است که ما یک چارچوبی داریم و نباید از این چارچوب بیرون برویم، باید این چارچوب را مبنا قرار بدهیم. در قانونگذاری هم بایستی همین مبنا منظور نظر باشد؛ این محور را ما خدای ناکرده کمرنگ نکنیم چون کمرنگ کردن این محور به تدریج منجر به نفوذ دشمن و ضربه خوردن انقلاب و اسلام، به دست خودمان می‌شود. پس با آن عناوین فریبنده‌ای که مطرح می‌کنند مثل آزادی قلم و امثال این‌ها، نباید خدای ناکرده هویت خودمان را از دست بدهیم؛ این یک مسأله است که بایستی در نظر گرفته شود.

ما برای قلم و قلم‌زن و متفکر و اهل نظر، ارزشی قائل هستیم

منافع و مسایلی که در مکتب اسلام است خیلی مهم و عظیم است، اسلام حقوق مردم را خیلی بهتر حفظ کرده است تا آنچه که در دنیا

ادعایش را می‌کنند. یکی از مسایلی که باید با این دید به آن نگاه کنیم این است که، قلم البته خوب است، اما کدام قلم؟ خدا به قلم قسم می‌خورد اما نه به قلمی که ضد اسلام است؛ خدا به قلمی که ضد خدا، ضد اسلام و ضد توحید است، هیچ وقت قسم نمی‌خورد؛ آن قلمی که واقعاً در همین خط است به آن قسم می‌خورد قایل هستیم ولی نه برخلاف آن چیزی که اصل هویت ملت و نظام ما را تشکیل می‌دهد. انقلاب ما بر این اساس است و دستی که برخلاف آن بخواهد قلم بزند، آن دیگر برای جامعه اسلامی محترم نیست. اگر ما برای این گروه احترام قائل شویم از اسلام دست کشیده‌ایم و هر جا هم اسلام ضربه خورده است از همین جا ضربه خورده است که از اسلام‌مان دست کشیده‌ایم و برای قلمی که دشمنی با اسلام می‌کند، ارزش قائل شده‌ایم. آن کسی که به اسم آزادی بخواهد بر علیه اسلام قیام کرده و به اسم آزادی قلم به مقدسات مردم اهانت کند این در حقیقت حقوق مردم را پایمال کرده است. چون مردم ما برای اسلام قیام کردند؛ اندیشه اسلامی در کشور ما قابل انکار نیست ما چطور این اندیشه مردمی و اسلامی را نمی‌بینیم، این‌ها که این همه شهید دادند برای اسلام، ما برای اراده این‌ها اصلاً ارزش قائل نیستیم، این‌ها مگر مردم نیستند، این‌ها اکثر مردم هستند. پس اگر دنبال اراده مردم هستیم، اراده مردم اسلام‌خواهی است، این هویت مردمی را نباید به اسم آزادی آن گونه که آن‌ها مطرح می‌کنند، زیر سؤال برد.

منابع

کتب

- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد اول؛ ۱۳۷۸
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد دوم؛ ۱۳۷۹
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد سوم؛ ۱۳۸۰
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد چهارم؛ ۱۳۸۱
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد پنجم؛ ۱۳۸۲
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد ششم؛ ۱۳۸۳
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد هفتم؛ ۱۳۸۴

جلسات

- جلسه پیرامون امنیت اقتصادی با حضور تعدادی از وزراء، نمایندگان مجلس، معاونان قوه قضائیه؛ ۸۴/۲/۲۷

دیدارها

- دیدار با مجمع نمایندگان استان خوزستان؛ ۸۴/۸/۲۸
- دیدار با مجمع نمایندگان استان کرمانشاه؛ ۸۴/۸/۱۴
- دیدار با معاون سازمان مالکیت معنوی سازمان ملل متحد؛ ۸۱/۰۲/۰۲
- دیدار با وزیر تعاون و معاونان؛ ۸۳/۶/۱۷
- دیدار با وزیر جهاد کشاورزی و معاونین؛ ۸۱/۱۰/۱۷
- دیدار با وزیر رفاه و تأمین اجتماعی؛ ۸۳/۱۰/۲۳
- دیدار با استاندار تهران و معاونان؛ ۷۸/۸/۱۱
- دیدار با اعضای شورای مرکزی کمیته امداد امام خمینی قدس سره؛
۷۹/۴/۲۱
- دیدار با اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی؛ ۷۹/۸/۲
- دیدار با اعضای هیات رئیسه اتاق بازرگانی؛ ۷۸/۸/۱۸
- دیدار با رئیس کل بیمه مرکزی ایران و مدیران عامل شرکت‌های بیمه
که عنوان صنعت را هم به همراه دارد؛ ۷۸/۸/۲۲
- دیدار با رئیس کل بیمه مرکزی و مدیران بیمه؛ ۷۹/۹/۱۹
- دیدار با رئیس کل گمرک ایران و معاونان؛ ۷۸/۹/۲۱
- دیدار با رئیس مرکز آمار و معاونان؛ ۷۸/۸/۲
- دیدار با رئیس و معاونان سازمان بهزیستی؛ ۷۹/۴/۲۹
- دیدار با رئیس و معاونان گمرک؛ ۷۹/۱۲/۶
- دیدار با رئیس و معاونین سازمان اوقاف؛ ۸۲/۱/۲۶

- دیدار با سفیر ایران در تاجیکستان؛ ۷۸/۸/۹
- دیدار با سفیر قرقیزستان در ایران؛ ۷۸/۸/۱۹
- دیدار با کمیته حقوقی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان؛ ۷۹/۲/۱۳
- دیدار با مدیر عامل و اعضای هیأت مدیره سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی؛ ۷۸/۱۱/۹
- دیدار با وزیر امور اقتصادی و دارایی و معاونین؛ ۸۲/۳/۱۳
- دیدار با وزیر بازرگانی و معاونان؛ ۷۸/۹/۲۸
- دیدار با وزیر جهاد سازندگی و معاونان؛ ۷۸/۸/۱۷
- دیدار با وزیر مسکن و شهرسازی؛ ۷۸/۶/۲۴
- دیدار با وزیر نیرو و معاونان؛ ۷۸/۱۱/۳
- دیدار کمیسیون صنعت و معدن با ریاست محترم قوه قضائیه؛ ۸۵/۳/۲۷

سخنرانی‌ها

- سخنرانی در جلسه شورای رؤسای کل دادگستری استان‌ها؛ ۸۱/۳/۲۳
- سخنرانی در جمع مسئولین قضایی استان‌های کرمانشاه و ایلام؛ ۸۴/۱۱/۶
- سخنرانی در جلسه شورای اداری استان فارس؛ ۸۲/۳/۷
- سخنرانی در جلسه شورای رؤسای کل دادگستری‌ها؛ ۸۲/۸/۱
- سخنرانی در جمع اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس؛ ۸۴/۹/۱۵
- سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه؛ ۸۴/۶/۲۴
- سخنرانی در دیدار عمومی مردم قزوین؛ ۸۴/۴/۲۲

- سخنرانی در گردهمایی ائمه جمعه سراسر کشور؛ ۸۴/۸/۲۴
- سخنرانی در همایش علمی قضات و محققان ایران و اروپا؛ ۸۴/۹/۱۶
- سخنرانی در همایش ملی مالکیت معنوی؛ ۷۹/۶/۱۹

مصاحبه ها

- مصاحبه اختصاصی با واحد مرکزی خبر در مورد امنیت اقتصادی؛ ۸۴/۹/۱
- مصاحبه بعد از دیدار مردمی؛ ۸۴/۳/۳
- مصاحبه پس از دیدار از مجتمع قضایی ولی عصر (عج)؛ ۸۳/۱/۱۵
- مصاحبه در پایان سفر به استان بوشهر و منطقه عسلویه؛ ۸۳/۱۲/۱۴

سایت ها

<http://isna.ir/fa/news>

http://www.imam_sadr.com

<http://www.noormags.com>

<http://www.sid.ir>

<http://www.ensani.ir>

<http://www.nividar.com/news>

فهرست

- ۵..... سخن ناشر
- ۷..... اسلام پاسخگوی همه نیازهای بشر است
- ۱۳..... انقلاب اسلامی ما پرچمدار نشر اندیشه های اسلامی
- ۱۵..... تمام حرکات کشور ما تنها با انگیزه اسلامی است
- ۱۶..... امام خمینی علیه السلام اندیشه اسلامی را احیا کرد
- محور اصلی قانون اساسی ما، اسلام، مکتب اسلام ، احکام قرآن
- ۱۷..... و مبانی اعتقادات اسلامی است
- ۱۸..... بیان عظمت محتوای اسلامی به سبک زیبا و شیرین
- ۲۰..... گسترش اندیشه اسلامی علت گرایش به معنویت و ارزش گرایی
- توجه به تعصب اروپایی ها در نادیده گرفتن اندیشه اسلامی در
- ۲۱..... پیشرفت جهان
- ۲۲..... برنامه ریزی دشمن برای از بین بردن اندیشه ناب اسلامی
- دشمن می خواهد ملت ما را در اعتقاد به اسلام و حکومت
- ۲۴..... خود متزلزل کنند
- دشمنان ما باید هزینه های زیادتری کنند تا بتوانند ذهنیت ها را
- ۲۵..... از پیام های انقلاب اسلامی در جهان منحرف کنند
- هدف اصلی دشمن ترویج شکست اندیشه اسلامی در مدیریت
- ۲۷..... جامعه و حکومت اسلامی

۲۹.....	اندیشه ی اسلامی، منبع عزت و اقتدار ملت
۳۱.....	اندیشه اسلامی بر تمام اندیشه‌ها غلبه دارد
۳۵.....	انقلاب اسلامی پایه گذار اندیشه اسلام ناب
۳۸.....	تاثیر افکار و اندیشه‌های اسلامی انقلاب اسلامی بر جهان
۴۱..	آمادگی برای پذیرش اندیشه های ناب اسلامی خیلی زیاد است
۴۴.....	زمینه پذیرش جهانی الگوهای نظام اسلامی
۴۶.....	شرایط لازم برای حراست از اندیشه اسلامی
۴۶.....	الف - تسلط کامل بر علوم اسلامی
۴۷.....	ب - آگاهی از شبهات جدید
۵۱..	ج - کلام جدید و نظریه پردازی در علوم و معارف اسلامی
۵۳..	ضرورت توجه به جنبه الگو بودن نظام اسلامی و اندیشه اسلامی
۵۵.....	لزوم احیا و نهادینه کردن عناوین مختلف اندیشه اسلامی
۵۶..	ضرورت اهتمام به نظریه پردازی و تولید اندیشه های اسلامی جدید
	ضرورت اهتمام به تطبیق و مقایسه اندیشه‌ها و افکار اسلامی
۵۷.....	با افکار و اندیشه‌های مشابه
	فواید تحلیل تاریخی تاثیر اندیشه اسلامی در پیروزی
۶۴.....	انقلاب اسلامی
۶۶.....	ضرورت اهتمام به رفع نیازهای فکری جدید
۶۹.....	استفاده از اندیشه اسلامی برای پاسخگویی به نیازهای روز
۷۰.....	لزوم تسلط اندیشه قوی اسلامی بر اندیشه های غیر اسلامی
۷۱..	لزوم مبارزه و مجاهدت علمی در پاسداری از اندیشه های اسلامی
۷۲.....	اهمیت نقش تشکل‌ها در معرفی مفاهیم و اندیشه‌های اسلامی

۷۵.....	اندیشه اسلامی و آینده بشر
۷۵.....	بحث با روش علمی و پرهیز از خرافه‌سازی
۷۶.....	مسئله غیبت و آفت شیادان
۷۸.....	تجربه های بشری و نظام‌های ساخته ذهن بشر
۷۹.....	نیاز به تجدید نظر و نوآوری در اندیشه اسلامی
۸۶.....	دو شرط اساسی برای تولید اندیشه‌های نو در حوزه
۹۰.....	لزوم ایمان و همت والا در نشر اندیشه های اسلامی
۹۱.....	آموزش و تحقیقات اساس کار نشر اندیشه ی اسلامی
	لزوم استفاده از ابزارهای جدید و نرم‌افزارهای رایانه‌ای
۹۲.....	در نشر اندیشه اسلامی
۹۳.....	نماز جمعه یکی از بهترین جلوه‌های نشر اندیشه‌های بلند اسلامی
	تبلیغ و نشر اندیشه های اسلامی در اسلام یک وظیفه مقدس
۹۷.....	و همگانی
	نظام اسلامی در تمام زمینه‌ها باید پاسخگو باشد و حرف
۱۰۱.....	داشته باشد
۱۰۴.....	نقش اندیشه‌ی اسلامی در تکامل علوم تجربی
۱۰۵.....	دینداری در عین دنیاداری در اندیشه اسلامی
۱۰۶.....	مفهوم آزادی در اندیشه ی اسلام
۱۰۷.....	آزادی در غرب چیزی جز تزویر نیست
۱۰۸.....	ما برای قلم و قلم‌زن و متفکر و اهل نظر، ارزش قائل هستیم
۱۱۰.....	منابع
۱۱۵.....	فهرست

